

طراحی الگوی دانشگاه کارآفرین براساس نظریه داده بنیاد (مطالعه موردی: واحدهای دانشگاه

آزاد اسلامی غرب ایران)

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱/۲۵؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۷

سید محمد رضا مصطفائی^۱، فرامرز ملکیان^۲، الهام کاویانی^۳ و محمد جواد کرم افروز^۲

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش طراحی الگوی دانشگاه کارآفرین برای دانشگاه‌های آزاد اسلامی غرب ایران بود. این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل داده بنیاد انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری، دانشگاه‌های آزاد اسلامی غرب کشور بود. تعداد مشارکت‌کنندگان دوازده نفر از متخصصان دانشگاه کارآفرین بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. روایی سوالات با استفاده از نظرات متخصصان حوزه دانشگاه کارآفرین به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس رهیافت نظام‌مند نظریه داده بنیاد در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. اعتبار یافته‌ها به کمک روش‌های تطبیق اعضاء و بررسی همکار به دست آمد. نتایج نشان‌دهنده بیست و یک مقوله شامل منابع انسانی، پایه‌های اقتصادی، سیاست‌های سازمانی، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، آموزش و پژوهش کارآفرینانه، استراتژی دانشگاه، نگرش سازمانی کارآفرینانه، جو سازمانی کارآفرینانه، ریسک‌پذیری، تغییر ماهیت آموزش عالی، اعتبار و جایگاه دانشگاه، تهیه سند کارآفرینی، بهبود محیط کسب و کار، ارتباط دانشگاه با جامعه، مواضع قانونی، اکوسیستم‌های کارآفرینی، سیاسی‌کاری، بین‌المللی شدن دانشگاه، رضایت ذی‌نفعان و تجاری‌سازی دانشگاه بود که در شش طبقه اصلی شامل شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در قالب مدل پارادایمی قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج کدگذاری مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های بخش کیفی نشان داد که دو مؤلفه منابع انسانی شایسته و پایه‌های اقتصادی از شرایط علی و به وجود آورنده دانشگاه کارآفرین هستند. سیاست‌های سازمانی کارآفرینانه از جمله اصلاح سیاست‌های بالادستی و قوانین وزارت علوم؛ ساختار سازمانی کارآفرینانه، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه و اجرای سیاست‌های آموزشی و پژوهشی مشتری‌گرا و کارآفرینانه مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین بودند. هم‌چنین شرایط زمینه‌ای که بر مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین تأثیر می‌گذارد عبارت‌اند از استراتژی دانشگاه، جو سازمانی کارآفرینانه، نگرش کارآفرینانه، ریسک‌پذیری، تغییر ماهیت آموزش عالی و انتظار جامعه، دولت و صنعت از دانشگاه برای رفع نیازهای شان، که آموزش عالی را متحول نموده و سبب شده تا دانشگاه‌ها به سمت کارآفرین شدن و پاسخگویی به خواسته‌های مشتریان‌شان هدایت شوند. ششمین عامل زمینه‌ساز دانشگاه کارآفرین، خوش‌نامی دانشگاه است؛ که بر ذی‌نفعان و مشتریان تأثیر گذاشته و آن‌ها را به سرمایه‌گذاری در دانشگاه و مشارکت با آن ترغیب می‌کند. عوامل مداخله‌گر که می‌توانند سرعت بخش یا مانع تبدیل یک دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین شوند و تا حدودی در کنترل دانشگاه نیستند؛ عبارت بودند از مواضع قانونی و حقوقی، اکوسیستم‌های کارآفرینی اعم از اکوسیستم‌های در اختیار دانشگاه و اکوسیستم‌های خارج از اختیار دانشگاه، سیاسی‌گری و انواع لابی‌ها که در بیشتر امور زندگی ما دخالت داشته و دانشگاه‌ها نیز مشمول این مهم هستند. یکی از راهبردهای دستیابی به دانشگاه کارآفرین وجود و اجرای چشم‌انداز و سند کارآفرینی دانشگاه است که به‌منزله کانال عبور و چراغ راه است. بهبود محیط کسب و کار و ارتباط دانشگاه با جامعه اطراف خود از جمله کارآفرینان و ارتباط با دانشگاه‌های کارآفرین جهان و منطقه و الگوگیری از آن‌ها یکی دیگر از راهبردهای اثرگذار در ایجاد دانشگاه کارآفرین است. در نهایت بین‌المللی شدن دانشگاه، رضایت ذی‌نفعان و تجاری‌سازی دانش در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری، ایجاد کسب و کارهای زایشی از پیامدهای دانشگاه کارآفرین بودند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود: وزارت علوم افرادی را به مدیریت دانشگاه‌ها منصوب کند که کارآفرین باشند یا به سیاست‌های کارآفرینی دولت و دانشگاه‌ها پایبند باشند. کارآفرینی در ارزشیابی و ارتقای علمی و اداری اساتید نقش داشته باشد. دانشگاه‌ها از طریق مراکز رشد، پارک‌های علم و دفاتر ارتباط با صنعت ارتباط بیشتری با بخش صنعت داشته باشند.

کلید واژه‌ها: دانشگاه کارآفرین، مدل‌سازی، نظریه داده بنیاد.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

* نویسنده مسئول: گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Faramarz.malekian45@yahoo.com

۲. گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

امروزه تغییر شرایط محیطی و رقابت بسیار پیچیده و مهیم بقای بلندمدت کشورها و سازمان‌ها را به خطر انداخته است. «در بین کشورها در زمینه صنایع تولیدی، صنایع با فناوری در حال ظهور، نرخ بالای بیکاری، کاهش نرخ رشد اقتصادی و ... رقابت وجود دارد» (آدرش، لیدن و لینک^۱، ۲۰۱۲: ۵۳۰). تنها افراد خلاق و کارآفرین می‌توانند سازمان‌ها و جامعه را برای آینده آماده نمایند. «جامعه کارآفرین در واقع جامعه‌ای است که کارآفرینی دانش‌بنیان در آن ظهور پیدا می‌کند و نقش بسیار مهمی در رشد ایجاد اشتغال و رقابت جهانی دارد» (گوئرو و اوربانو^۲، ۲۰۱۲: ۴۴). خواست و نیاز جامعه، دولت و صنعت برای مشارکت هرچه بیشتر دانشگاه‌ها به‌عنوان تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان دانش در توسعه اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه‌ها را به‌سوی تغییری اجباری و لازم در راستای نوآوری و کارآفرینی سوق داده است. در عصر حاضر، دانشگاه‌ها به محرک‌های اصلی توسعه تبدیل شده‌اند (سیریاکی و موسیو^۳، ۲۰۱۴). به نقل از رضانی، مهنی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۲۹). «چالش بزرگی که به‌تازگی اکثر دانشگاه‌ها با آن مواجه هستند این است که دیگر نباید برای ارائه آموزش و تولید علم تنها به تحقیقات و پژوهش متکی بود؛ بلکه باید نقشی پیچیده از یک دانشگاه کارآفرین^۴ را ایفا نمایند» (اتزکویتز، وبستر، گبهارت و ترا^۵، ۲۰۰۰: ۳۱۴). «دانشگاه‌ها در تجارت دانشی که خود ارائه می‌دهند و هم‌چنین توسعه سیستم اقتصادی منطقه‌ای و ملی، نقش دارند» (وانگ و بوخاری^۶، ۲۰۰۷: ۹۴۱). «توانایی تعیین مسیر استراتژیک، تعهد به خدمت گرفتن دانش، به‌ویژه در منطقه محلی، توسعه قابلیت‌های داخلی برای انتقال فناوری و تجاری‌سازی تحقیقات و ایفای نقش مشترک با دولت و جامعه مدنی در ایجاد و اجرای یک استراتژی برای توسعه منطقه مبنی بر دانش، از چشم‌اندازهای دانشگاه کارآفرین است» (اتزکویتز، ۲۰۱۷: ۱۲۲). «دانشگاه کارآفرین به‌عنوان یک محرک نوآوری و کارآفرینی در چشم‌انداز اجتماعی و اقتصادی جدید شناخته می‌شود». (گوئرو، اوربانو، فایول، کلافتسن و میان^۷، ۲۰۱۶: ۵۵۴). بوزوکی و ریگتر^۸ (۲۰۱۶) معتقد است فعالیت کارآفرینی از طریق استفاده و بهره‌برداری مؤثر از کارگر، سرمایه و فناوری بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در این میان دانشگاه‌ها به‌عنوان اساسی‌ترین و قوی‌ترین نهادهای تولید و انتقال دانش و فناوری نقشی مهم را ایفا می‌کنند. (ص ۵). «هیچ دانشگاهی بهتر از استفورد^۹

-
- | | |
|--|-------------------------------|
| 1. Audretsch, Leyden & Link | 2. Guerrero & Urbano |
| 3. Ciriaci & Muscio | 4. Entrepreneurial University |
| 5. Etzkowitz, Webster, Gebhardt & Terra | 6. Wong & Bukhari |
| 7. Guerrero, Urbano, Fayolle, Klofsten, & Mian | |
| 8. Bozoki & Richter | |
| 9. Stanford | |

نیست؛ این دانشگاه در سال ۲۰۱۷ رتبه اول کارآفرینی را در میان ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان به دست آورده است. شرکت‌هایی که توسط فارغ‌التحصیلان استنفورد تأسیس شده‌اند از جمله هیولت^۱، پاکارد^۲ و گوگل^۳ نه تنها نشان استنفورد به‌شمار می‌روند بلکه صنایع جدید را تقویت کرده و پایه اقتصادی جدیدی را ایجاد کرده‌اند. در سال ۲۰۱۲ طی مطالعه‌ای که توسط دانشگاه انجام شد نشان داد شرکت‌هایی که توسط استنفورد بنیان گذاشته شده‌اند درآمد سالیانه‌ای حدود ۲/۷ تریلیون دلار داشته‌اند که این رقم معادل ثروت دهمین اقتصاد جهان است» (اوال^۴، ۲۰۱۶: ۷). دانشگاه‌های برتر جهان قدم در راه کارآفرینی گذاشته‌اند که می‌توان به چند نمونه از آن‌ها اشاره نمود: «برنامه رهبری دانشگاه کارآفرینانه» در بریتانیا (گیب، هاسکینز و ربرتسون^۵، ۲۰۱۲: ۳۳). برنامه شرکت نوپای آلمانی اگریست^۶ (ولکمن و گرانهاگن^۷، ۲۰۱۴: ۲۳۲). برنامه کارشناسی ارشد بین‌المللی در زمینه کارآفرینی با سرمایه‌گذاری‌های جدید برای تهیه یک محیط تحقیقاتی برای دانشجویان همراه با فرصت‌های کسب و کار بالقوه در دانشگاه صنعتی چالمرز^۸ سوئد (لاندکویست^۹، ۲۰۱۴: ۲). دانشگاه کارآفرین علاوه بر تولید علم و تربیت نیروی انسانی موردنیاز توسعه در راستای تجاری‌سازی علم و تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان قدم برمی‌دارد. «مطالعات دانشگاه مؤسسه فنی ماساچوست^{۱۰} نشان داده است اگر شرکت‌های فعال فارغ‌التحصیلان این مؤسسه خود به‌تنهایی یک کشور مستقل تشکیل دهند، تخمین‌های محافظه‌کارانه حاکی از داشتن درآمدی حداقل در حدود درآمد ۱۷ کشور بزرگ جهان است. در حال حاضر ۲۵۸۰۰ شرکت فعال (از پایان سال ۲۰۰۶) توسط فارغ‌التحصیلان مؤسسه فنی ماساچوست مشغول به کار هستند که ۳/۳ میلیون نفر کارمند و درآمد سالیانه حدود ۲ تریلیون دلار که معادل درآمد یازدهمین اقتصاد بزرگ جهان است، از نتایج آن‌ها است» (رابرت و ایسلی^{۱۱}، ۲۰۱۱: ۴). «دانشگاه هاروارد^{۱۲} در طول ۳۸۰ سال عمر خود ۴۷ برنده جایزه نوبل^{۱۳} را به خود اختصاص داده است» (اوال^۴، ۲۰۱۶: ۵). «مؤسسه پیشرفته دانش و فناوری کره^{۱۴}، با کمک تعداد زیاد اختراعات بانفوذ و قدرتمند جایگاه اول خود را در میان سایر دانشگاه‌های آسیا به‌عنوان دانشگاه برتر کارآفرینی به دست آورده است» (اوال^۴، ۲۰۱۶: ۶). «در کشور ما اغلب

-
1. Hewlett
 2. Packard
 3. Google
 4. Ewalt
 5. Gibb, Haskins & Robertson
 6. Exist Start-up Germany
 7. Volkman & Grunhagen
 8. Chalmers University of Technology
 9. Lundqvist
 10. Massachusetts Institute of Technology (MIT)
 11. Roberts & Easley
 12. Harvard
 13. Nobel
 14. Korea Advanced Institute of Science and Technology (KAIST)

دانشگاه‌ها در نسل دوم دانشگاهی یعنی دانشگاه‌های پژوهش محور قرار دارند و فعالیت‌های چندانی در راستای تجاری‌سازی یافته‌های پژوهش‌ها، تربیت افراد کارآفرین و تبدیل‌شدن به نسل سوم دانشگاه‌ها یعنی دانشگاه‌های کارآفرین ندارند. فعالیت‌های تجاری‌سازی دانشگاه‌های داخلی اغلب در حد ایجاد پارک‌های علم و فن‌آوری محدود شده است که خروجی چندانی به بازار کسب و کار ارائه نمی‌دهد» (سلام‌زاده، سلام‌زاده و دارابی، ۲۰۱۱: ۳۲). با توجه به تحولات موجود و وقوع «جامعه دانشی»^۱ ارائه الگوهای جدید در عرصه آموزش عالی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. امروزه سازمان‌ها و جامعه انتظار دارند دانشگاه‌ها افرادی کارآفرین، متخصص و خلاق به اجتماع تحویل دهند. از طرفی شرایط ویژه کشور به لحاظ در حال رشد بودن و قرار گرفتن در معرض رقابت بسیار سخت اقتصادی، ایدئولوژی حاکم بر کشور و عزم و اراده برای حفظ و گسترش آن، سیاست استقلال‌طلبی کشور، موقعیت جغرافیایی ویژه، نبود ثبات سیاسی در منطقه، تحریم‌های اقتصادی، جمعیت زیاد جوان و جویای کار، تولید و اشتغال ضعیف، نوسانات بهای نفت و غیره و از همه مهم‌تر سیاست کلی کشور در خصوص حرکت بر مبنای اقتصاد مقاومتی عواملی هستند که می‌توانند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به سمت رشد اقتصادی-اجتماعی ناشی از خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی هدایت نمایند. در دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه علمی-حضوری کشور و خاورمیانه و علی‌رغم ظرفیت‌های فراوان در جذب دانشجو و فارغ‌التحصیل نمودن آن‌ها توجه چندانی به کارآفرینی معطوف نشده است. از طرفی سیاست‌های فعلی دانشگاه آزاد اسلامی توان پاسخ‌گویی به مشکلات مالی خویش و انتظارات جامعه از رسالت این دانشگاه را ندارد؛ چرا که این دانشگاه با داشتن حدود نیمی از دانشجویان کشور در سال‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله اعمال سیاست‌های تضعیف‌کننده برون‌سازمانی، کمبود منابع مالی، افزایش مؤسسات آموزش عالی رقیب، تلاش برای افزایش جایگاه هیأت علمی از نظر امکانات و مزایای مادی با مشکلات مالی متعددی مواجه شده است. ضمناً این دانشگاه در معرض قضاوت دولت، جامعه و منتقدان دیگر بوده و عملکرد آن را زیر سؤال می‌برند. لذا سیاست‌گذاران این دانشگاه در سال‌های اخیر برای برون‌رفت از این مشکلات در تلاش برای تبدیل‌شدن به یک دانشگاه کارآفرین هستند؛ از طرفی تاکنون مطالعه یا تحقیقی برای طراحی الگوی کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی انجام نگرفته است و مطالعاتی نیز که موجود است در حد ویژگی‌ها، شاخص‌ها، منافع و بازتاب دانشگاه کارآفرین است؛ بنابراین طراحی الگوی مطلوب کارآفرینی متناسب با شرایط این دانشگاه و پی بردن به شرایط، زمینه، الزامات و راهبردهایی که تبدیل دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه کارآفرین تسهیل کند و آشنایی با موانع،

مزایا و معایب آن تا توانایی تربیت فارغ‌التحصیلانی کارآفرین را که بتوانند با دانش، مهارت، خلاقیت و نوآوری دست به کارآفرینی زده و با تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان به تولید علم، رشد اقتصادی و اشتغال جوانان تحصیل‌کرده دامن زنند و در یک جمله توانایی تبدیل دانش به ثروت را داشته باشند از موضوعاتی است که متأسفانه تاکنون به آن پرداخته نشده است. لذا بر این اساس این پژوهش با استناد به منابع نظری و آشنایی با دیدگاه‌ها و نظریه‌های متخصصان کارآفرینی و اساتید مرتبط با این حوزه در پی پاسخ به این سؤال است: چگونه می‌توان براساس نظریه داده بنیاد مدلی طراحی نمود که دانشگاه آزاد اسلامی را به یک دانشگاه کارآفرین ارتقاء داد؟ عدم وجود این پژوهش و مطالعات مشابه روند تبدیل دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد اسلامی را از یک دانشگاه نسل دوم (آموزش و پژوهش محور) به یک دانشگاه نسل سوم و کارآفرین با کندی مواجه می‌کند. چنانچه دانشگاه آزاد اسلامی همگام با دانشگاه‌های پیشرو جهان و منطقه به بازسازی خود نپردازد و نتواند به یک دانشگاه نسل سوم تبدیل شود، می‌توان اظهار داشت که مزیت رقابتی خود را از دست داده و در آینده‌ای نزدیک به اضمحلال خواهد رفت؛ چراکه اقتصاد، اشتغال و ایجاد کار در جامعه، در دستان کارآفرینانه دانشگاه کارآفرین رقم می‌خورد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌های تحت نظر آن‌ها و همچنین تمام مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و غیردولتی قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

«در اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰، نقش سنتی دانشگاه که خالق محافظه‌کار دانش و انتقال‌دهنده آن به محیط جدید جهانی بود، مورد سؤال قرار گرفت و مجموعه‌ای از تغییرات بنیادین توسط دانشگاه برای بهبود فرصت‌های سازمانی خود و چگونگی مدیریت آن‌ها انجام شد؛ به این معنا که تغییرات جهانی در فرهنگ، سازمان‌ها و انواع فعالیت‌ها، عملکرد و روابط دانشگاه‌ها در پاسخ به فشارهای محیطی که دانشگاه‌ها در آن فعالیت می‌کنند صورت گرفت» (گارسیا آراسیل، کاسترو مارتینز، جیمینز سیز و آرایو وازکیوز^۱، ۲۰۱۳: ۳). «جایگاه دانش به‌عنوان منبعی بالارزش در ایجاد رشد اقتصادی، تحقق اقتصادی مبتنی بر دانش سبب ایجاد انتظارات جدیدی از دانشگاه در جهت ایفای نقش جدیدی به‌عنوان تجاری‌سازی پژوهش‌ها در کنار نقش‌های قبلی یعنی آموزش و پژوهش شده است» (تودوروویچ، امسی نالتن و گیلد^۲، ۲۰۱۵: ۱۲۸). «به این ترتیب در نیمه دوم قرن بیستم، حوزه‌های سنتی فعالیت دانشگاه با ظهور تحولات در مسیر حرکت به سوی اقتصاد

-
1. Garcia Aracil, Castro Martinez, Jimenez Saez, Arroyo Vazquez
 2. Todorovic, McNaughton & Guild

دانش‌محور، تغییر کرد و کارآفرینی نیز به‌منظور حمایت از این روند به‌عنوان یک عملکرد جدید به وظایف دانشگاه اضافه شد و در نهایت یک مفهوم جدید به نام دانشگاه کارآفرین برای توصیف نقش جدید دانشگاه ظهور پیدا کرد» (کلی، متس، جانسون، پیسوک و آدامسو^۱، ۲۰۱۳: ۲۱۵). مفهوم دانشگاه کارآفرین ابتدا توسط بورتون کلارک (۱۹۹۸) در کتاب ایجاد دانشگاه‌های کارآفرین مورد مطالعه قرار گرفت. «استفاده از کلمه کارآفرین بر شاخص‌های نظام‌های اجتماعی، به‌طور خاص کل دانشگاه و ادارات داخلی آن، مراکز پژوهشی، دانشکده‌ها و مدارس، دلالت دارد. کلارک می‌نویسد ظرافت اصطلاح سازمان در این مفهوم در ساخت و ساز نهادها بسیار مهم است؛ زیرا دانشگاه کارآفرین خطراتی را که هنگام معرفی شیوه‌های جدید و خط‌مشی‌های نوآورانه در کسب و کار به وجود می‌آید، در برمی‌گیرد. او اضافه می‌کند دانشگاه‌های کارآفرین می‌خواهند در مطالعه خود با هدف تبدیل شدن به دانشگاه‌های استند آپ^۲ نقش خاصی در طی حیات خود داشته باشند» (ریس^۳، ۲۰۱۶: ۱۳۶). «مفهوم دانشگاه کارآفرین در ادبیات علمی دارای ابهام و انحراف است» (کربی^۴، گوئرو اوربانو، ۲۰۱۱: ۱۸۶). «براساس زمینه و ویژگی خاص موارد مطالعه و گفتمان محققان، تفاوت معنی‌داری در معنی و دامنه اصطلاح دانشگاه کارآفرین وجود دارد» (بلنکر، ترول امهالت، هذب فردریکسون، کورسگارد و وکتر^۵، ۲۰۱۴: ۶۹۸). «دانشگاه کارآفرین در ادبیات تعابیر مختلفی دارد. کلارک (۱۹۹۸) و ون وات^۶ (۱۹۹۹) دانشگاه‌های نوآور^۷، اسلاتر و لسلی (۱۹۹۷) دانشگاه‌های بازار^۸ و سرمایه‌داری آکادمیک^۹ و روپکه^{۱۰} (۱۹۹۸) دانشگاه کارآفرین را به‌عنوان سازمان کارآفرین مدنظر قرار دادند و نظرهای خود را در سه بخش دسته‌بندی می‌کنند: اول اینکه دانشگاه به‌عنوان سازمان، شیوه مدیریتی کارآفرینانه را به کار گیرد؛ دوم اینکه اعضای آن کارآفرینانه عمل کنند و سوم اینکه از الگوی کارآفرینانه برای تعامل با محیط خود پیروی کند» (بهزادی، رضوی و حسینی، ۱۳۹۳: ۶۹۹). «مفهوم دانشگاه کارآفرین در اوایل سال ۱۹۸۳ توسط اتزکویتز در بررسی علوم دانشگاهی آمریکا و نحوه استفاده از تحقیقات در محیط‌های تجاری مورد توجه قرار گرفت» (باینکوسکا^{۱۱}، ۲۰۱۶: ۵۸). «مشارکتی که دانشگاه معاصر برای کارآفرینی ایجاد می‌کند صرفاً یک بعد انتقال فناوری نیست بلکه دو بعد دیگر یعنی گسترش دانش کارآفرینی و سرمایه کارآفرینی را نیز شامل می‌شود» (آدرش، ۲۰۱۷: ۵).

1. Kelli, Mets, Jonsson, Pisuke & Adamsoo
3. Reyes
5. Blenker, Trolle Elmholdt, Hedeboe Frederiksen, Korsgaard & Wagner
6. Van vaught
7. Innovative universities
9. Academic capitalism
11. Bienkowska

2. stand-up
4. Kirby
8. Market universities
10. Ropke

«دانشگاه کارآفرین به معنای دانشگاهی است که در آن تمام فعالیت‌های اعضا از قبیل آموزش، پژوهش و ... به گونه‌ای مدیریت، اداره و اجرا می‌گردد که دانشگاه به‌عنوان نهاد یا شبه شرکتی اقتصادی تلقی گردد؛ یعنی جهت‌گیری این فعالیت‌ها در جهت سوددهی و نیز کسب مزیت‌های رقابتی اقتصادی باشد» (دابک، گونزالز- لوریو و دیم^۱، ۲۰۱۵: ۱۶۹). «دانشگاه‌های کارآفرین به عنوان یک سازمان بسیار خلاق و نوآورانه عمل می‌نمایند و علاوه بر مهیا ساختن راهبردی ساختارشان برای پاسخگویی سریع به نیازهای بازار، آماده خطرپذیری نیز هستند» (بهاییانی^۲، ۲۰۱۵: ۳۱۳). «دانشگاه کارآفرین یکی از اشکال سازمانی نسبتاً جدید و در حال گسترش است که بر خود پایداری دانشگاه به دلیل کاهش بودجه دولتی و لزوم افزایش وابستگی به خود تولیدی تأکید می‌نماید» (وانگ و بوخاری، ۲۰۱۴: چکیده). پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه دانشگاه کارآفرین مشخصات و ویژگی‌هایی را برای این دانشگاه برشمرده‌اند. ازکویتز (۲۰۱۶) برای دانشگاه کارآفرین چند عنصر کلیدی را بیان می‌کند: ۱. سازمان پژوهش گروهی ۲. ایجاد یک پایگاه تحقیقاتی با پتانسیل تجاری ۳. توسعه سازوکار سازمانی برای انتقال تحقیقات به بیرون دانشگاه به‌عنوان دارایی فکری محافظت‌شده ۴. ظرفیت سازمان‌دهی شرکت‌ها و فارغ‌التحصیلان در دانشگاه ۵. ادغام عناصر دانشگاهی و تجاری در قالب‌های جدید مانند مراکز تحقیقاتی دانشگاه-صنعت (ص. ۸۴). در جدول ۱ به تعدادی از شاخص‌های دانشگاه کارآفرین از دیدگاه نظریه‌پردازان اشاره شده است.

جدول ۱. شاخص‌های دانشگاه کارآفرین (رادمنش و همکاران، ۱۳۹۵: ۷)

منبع	نظریه پرداز	شاخص
کلارک، ۱۹۹۸	کلارک ^۳	چشم‌انداز مشترک و راهبرد آینده‌نگر، هسته هدایت‌کننده غنی‌شده، توسعه پیرامونی تفصیلی، سرمایه‌گذاری متنوع، منطقه مرکزی انگیزش یافته دانشگاهی، فرهنگ یکپارچه کارآفرینی
لیسنر، ۲۰۰۶ کلارک، ۱۹۹۸	کلارک، لیسنر ^۴	فرهنگ سازمانی کارآفرینانه
اسپورن، ۲۰۰۱	اسپورن ^۵	مأموریت، اهداف، ساختار، مدیریت، نظارت، رهبری و فرهنگ برقراری تعادل با محیط (انطباق با محیط)، شبکه‌ها و اتحادهای استراتژیک
ازکویتز، ۲۰۰۴	ازکویتز	سرمایه‌گذاری در دانش، وابستگی متقابل با صنعت و دولت، تعامل با سایر قسمت‌های رسمی، شکل‌های سازمانی، نوسازی رسمی
کربی، ۲۰۰۶	کربی	تأثیر و توافق، مشارکت، پیاده‌سازی و کاربرد ارتباطات، انگیزش و حمایت،

1. Dabic, Gonzalez-Loureiro & Daim
3. Clark
5. Sporn

2. Bahayani
4. Liesner

		تصدیق و تشخیص، ترفیع سازمانی
۱۳۹۱	کردنائیچ، ۱۹۹۸	داشتن شیوه مدیریت کارآفرینانه، اعضای کارآفرین و تبادلات کارآفرینانه در محیط
۲۰۰۷	روثرمل ^۲	عوامل داخلی؛ سیستم تشویقی، جایگاه دانشگاه، محل دانشگاه، فرهنگ، عوامل، واسطه، سیاست دانشگاه، تجارب، هویت و نقش تعریف‌شده، ویژگی‌ها و نقش دانشکده، طبیعت و نوع فناوری تجاری شده، عوامل بیرونی؛
تودوروویچ و همکاران، ۲۰۱۵	تودوروویچ و همکاران	سیاست‌های عمومی، صنایع پیرامونی و شرایط منطقه‌ای عدم وجود قوانین و آداب و رسوم دست و پاگیر، همکاری با صنعت، سیاست‌های دانشگاه، تلاش در جهت همگانی نمودن دانش

«اقتصادهای ببر هم‌چون چین قطعاً مهم هستند؛ اما کسانی که به دنبال تحقیقاتی بانفوذ و مؤثر در زمینه فناوری و نوآوری هستند باید نگاهشان به غرب، نه به شرق باشد. رتبه‌بندی سالانه رویترز از دانشگاه‌های نوآور جهان این مطلب را تأیید می‌کند. برای مثال استنفورد برای سومین سال متوالی به‌عنوان نوآورانه‌ترین دانشگاه جهان شناسایی شد. استنفورد که در قلب دره سیلیکون کالیفرنیا واقع شده است مدت‌های مدیدی است که نقش کلیدی در توسعه دنیای شبکه‌های مدرن ما ایفا کرده است» (والت، ۲۰۱۶). «در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۶ که در بین ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان در زمینه شاخص‌های کارآفرینی انجام گرفته است، ایالات متحده ۴۶ دانشگاه، ژاپن ۹ دانشگاه و فرانسه و کره جنوبی هر کدام با ۸ دانشگاه، کشورهای برتر در کارآفرینی بوده‌اند» (آی‌بی، ۲۰۱۶). در جدول ۲ ده دانشگاه کارآفرین برتر جهان در سال ۲۰۱۷ با مشخصات آن‌ها معرفی شده‌اند.

جدول ۲. رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان از نظر کارآفرینی (۱۰ دانشگاه برتر از بین ۱۰۰ دانشگاه) در سال ۲۰۱۷ (منبع: وبسایت رویترز و وبسایت رتبه‌بندی)^۱

رتبه‌بندی تحقیقات و پژوهش‌ها ^۹	درصد شاغلین ^۸ (سه ماه بعد از فارغ-التحصیلی)	درصد دستیابی به اهداف ^۷	تأثیر تجاری ^۶		امتیاز اعطاشده برای ثبت اختراع ^۵ (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵)	اختراعات ثبت‌شده ^۴ (از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵)	کارکنان دانشگاهی ^۳	تعداد دانشجویان ^۲	کشور	دانشگاه	رتبه
			معدل	نمره							
۵	۹۵	۸۸	۴۸٫۷	۱۱۸٫۴	٪۳۹٫۹	۶۲۶	۴۰۸۲	۱۷۱۸۴	ایالات متحده	استنفورد	۱
۷	۱۰۰	۸۹	۴۸٫۷	۱۸۹٫۴	٪۴۲٫۳	۱۳۶۸	۵۸۹۳	۱۱۳۷۶	ایالات متحده	ماساچوست	۲
۱۶	۱۰۰	۸۸	۴۸٫۷	۱۱۲٫۹	٪۲۶٫۱	۸۸۸	۴۳۸۸	۲۹۹۰۸	ایالات متحده	هاروارد ^{۱۰}	۳
۱	۹۵	۸۸	۴۸٫۷	۷۸٫۶	٪۳۲٫۹	۵۱۷	۵۴۴۲	۳۴۹۶۰	ایالات متحده	پنسیلوانیا ^{۱۱}	۴
-	-	-	۴۸٫۷	۵۳	٪۳۷	۲۹۲	۱۱۰۷	۵۶۳۵	بلژیک	لیون ^{۱۲}	۵

1. <https://www.reuters.com/innovative-universities-2017> &
<http://rankings.ft.com/businessschoolrankings/global-mba-ranking-2018>
 2. Students
 3. Academic Staff
 4. Total Patents Filed
 5. Patents Granted
 6. Commercial Impact
 تأثیر تجاری شاخصی برای ارزیابی تأثیر تحقیقات اساسی یک مؤسسه بر فعالیت‌های تجاری است که توسط مقالات علمی ذکر شده در ثبت اختراعات اندازه‌گیری می‌شود.
 7. Aims achieved (%)
 8. Employed at three months (%)
 9. Research rank
 10. Harvard University
 11. University of Pennsylvania
 12. KU Leuven

-	-	-	۴۸,۷	۹۱,۷	٪۸۲,۱	۹۲۳	۹۸۴	۹۳۲۶	کره جنوبی	مؤسسه پیشرفته دانش و فناوری کره ^۱	۶
۲	۱۰۰	۸۷	۴۸,۷	۶۹	٪۳۱,۸	۴۹۴	۳۸۵۲	۵۶۸۱۹	ایالات متحده	واشینگتن ^۲	۷
۱۳	۹۰	۸۹	۴۸,۷	۵۱,۴	٪۴۳,۸	۵۸۰	-	-	ایالات متحده	میشیگان ^۳	۸
۱۶	۱۰۰	۸۵	۴۸,۷	۷۶	٪۳۲,۳	۹۷۴	-	-	ایالات متحده	تگزاس ^۴	۹
۷۶	۹۹	۸۷	۴۸,۷	۷۴,۷	٪۴۳,۱	۲۱۸	۱۵۱۹	۱۳۵۸۷	ایالات متحده	فاندربیلت ^۵	۱۰

برای دانشگاه کارآفرین مدل‌های زیادی در داخل و خارج کشور طراحی شده است که بیان آن‌ها در حوصله این مقاله نیست؛ اما به‌طور خلاصه می‌توان به مدل‌های زیر اشاره نمود: ۱. مدل ماریپیچ سه‌گانه^۶؛ «ماریپیچ سه‌گانه - دانشگاه، صنعت و دولت - ابتکاری بود برای تبدیل رابطه دوجانبه صنعت و دولت در یک جامعه صنعتی که در دهه ۱۹۹۰ توسط اتزکویتز (۱۹۹۳) و اتزکویتز و لیدزدورف^۷ (۱۹۹۵) برای بسط و تفسیر کارهای لو^۸ (۱۹۸۲) و ساباتو و مکنزی^۹ (۱۹۸۲) انجام گرفته بود به یک رابطه سنتی روبه رشد بین دانشگاه، صنعت و دولت در یک جامعه دانشی» (اتزکویتز و رنکا^{۱۰}، ۲۰۱۵: ۲۳۸). ۲. مدل گوئررو و اوربانو: گوئررو و اوربانو پژوهش را با عنوان «توسعه دانشگاه کارآفرین» در ۵۰ دانشگاه اسپانیا انجام دادند. در این پژوهش محققان به بررسی روابط متقابل عوامل درونی و عوامل محیطی پرداختند. عوامل درونی

-
1. Korea Advanced Institute of Science and Technology (KAIST)
 2. University of Washington
 3. University of Michigan
 4. University of Texas
 5. Vanderbilt University
 6. Ttiple Helix
 7. Etzkowitz & Leydesdorff
 8. Lowe
 9. Sábato & Mackenzi
 10. Ranga

عبارت‌اند از: الف) منابع؛ شامل: منابع انسانی، منابع مالی، منابع مادی و منابع تجاری (ب) قابلیت‌ها؛ شامل: تاریخچه دانشگاه، وضعیت دانشگاه، معاهدات دانشگاه و بومی‌سازی دانشگاه. عوامل محیطی عبارت‌اند از: الف) عوامل رسمی؛ شامل: حداقل مقررات برای ایجاد سرمایه‌گذاری جدید، پشتیبانی از انتقال فناوری، پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها، عدم پشتیبانی‌های اقتصادی، پارک علم، دوره‌های کارآفرینی برای دانشجویان، دوره‌های کارآفرینی برای اعضای هیأت علمی. (ب) عوامل غیررسمی؛ شامل: روش‌های آموزش کارآفرینی، نگرش مطلوب دانشجویان نسبت به کارآفرینی، نگرش کارآفرینانه نسبت به کارآفرینی، سیستم پاداش مناسب و مدل‌های کارآفرینی. آموزش، پژوهش و مأموریت‌های کارآفرینانه از پیامدهای دانشگاه کارآفرین می‌باشند. ۳. مدل گیب: گیب (۲۰۱۲) در مقاله‌ای زمینه‌های اصلی توسعه دانشگاه کارآفرین را در مدلی به شرح ذیل فهرست کرده است: ۱. مأموریت و استراتژی ۲. شیوه اداره ۳. طراحی سازمان ۴. سازمان‌دهی دانش ۵. اندازه‌گیری تعالی و ارزش عمومی ۶. مشارکت و همکاری متقابل ۷. انتقال دانش، مبادله و پشتیبانی ۸. آموزش کارآفرینی ۹. بین‌المللی شدن (ص. ۱۳).

در خصوص دانشگاه کارآفرین و مباحث مربوط به آن پژوهش‌ها و مطالعات متعددی در داخل و خارج ایران صورت گرفته است. موسوی، صالحی عمران، فراستخواه و توفیقی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «ارائه مدل توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران» به ارائه مدل براساس نظریه داده بنیاد پرداخته‌اند که طی آن ۲۴۲ گزاره مفهومی در قالب ۱۲۶ مقوله عمده، طبقه‌بندی و درنهایت ۲۲ مقوله هسته‌ای در قالب ابعاد شش‌گانه شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی شدند. صمدی میارکلایی، آقاجانی و صمدی میارکلایی (۱۳۹۴)، در پژوهشی که باهدف تبیین و بررسی وضعیت ظرفیت کارآفرینانه دانشگاه‌های استان مازندران و رتبه‌بندی عوامل تعیین‌کننده ظرفیت کارآفرینانه آن انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ظرفیت کارآفرینی و ابعاد وابسته به آن در دانشگاه‌های مورد مطالعه در وضعیت نامناسبی قرار دارند. در آزمون رتبه‌بندی متغیرها نیز مشخص شد که بعد چشم‌انداز و مأموریت، بیش‌ترین امتیاز و بعد آموزش کارآفرینی، کم‌ترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. فارسی و طغرای (۲۰۱۴) طی تحقیقی که در ایران انجام دادند عوامل سازمانی مؤثر بر کارآفرینی دانشگاهی را به دو گروه رسمی (قوانین، ساختار و حاکمیت دانشگاه، برنامه‌های آموزش کارآفرینی و کسب‌وکار، ارتباط صنعت و دانشگاه، سیاست‌ها و مقررات دولتی، قوانین مالکیت فکری، ساختار آموزشی-پژوهشی دانشگاه) و غیررسمی (روش اجرای قوانین، ملاحظات سیاسی، نظام پاداش، مدل‌های ایفای نقش دانشگاهی، نگرش دانشگاهیان نسبت به کارآفرینی) تقسیم نمودند. نیک‌فرجام، کیانی و فضلی (۲۰۱۳) ساختار سلسله‌مراتبی ارزیابی دانشگاه کارآفرین را علاوه بر مواردی که اوشا و همکاران عنوان نموده‌اند شامل ساختار حاکمیتی کارآفرینی و سازمان‌دهی دانشگاه با رویکرد کارآفرینی،

اقدامات پشتیبان برای کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، نظام پاداش و مدل‌های ایفای نقش، نگرش جامعه‌ی دانشگاه به کارآفرینی می‌داند. منصوریان، فاتح راد و رنجبر تزنیدی (۱۳۹۲) برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز دانشگاه کارآفرین مدلی به‌صورت تحلیل کلان سه بعدی در ابعاد ساختار، زمینه و محتوا ارائه نموده‌اند. آن‌ها ضمن بیان ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین به بیان تفاوت‌های دانشگاه سنتی با دانشگاه کارآفرین در بخش‌های سه‌گانه بالا پرداخته‌اند. سلام‌زاده و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود چارچوب نظام‌یافته دانشگاه کارآفرین را در ایران بررسی کرده‌اند. آن‌ها دانشگاه کارآفرین را یک سیستم پویا تعریف کرده‌اند که شامل ورودی‌های منابع، فرهنگ، قوانین و مقررات، ساختار، مأموریت، قابلیت کارآفرینی و انتظارات جامعه، صنعت، دولت و بازار، فرایندهای آموزش، پژوهش، فرایندهای مدیریتی، فرایندهای لجستیکی، تجاری‌سازی، انتخاب، فرایندهای مالی و تأمین وجه، شبکه، تعامل چندجانبه و نوآوری و فعالیت‌های تحقیق و توسعه و خروجی کارآفرین شامل منابع انسانی، تحقیقات مؤثر با نیازهای بازار، نوآوری‌ها و اختراعات، شبکه‌ها و مراکز کارآفرینی می‌شود و هدف آن بسیج منابع، توانایی‌ها و قابلیت‌ها به‌منظور تحقق مأموریت سوم است. تقی‌پور ظهیر و حسن مرادی (۱۳۸۵) برای ایجاد دانشگاه کارآفرین الگویی را ارائه کرده‌اند که بر روی سه مؤلفه اصلی برون سیستمی شامل زیرساخت‌ها، مبانی نظری و اهداف و شش مؤلفه اصلی درون سیستمی شامل زمینه، درون‌داد، فرایند، برون‌داد، ارزیابی، توسعه و پیامد و ۴۶ مؤلفه فرعی مربوط به آن‌ها و همچنین الزامات اجرایی و مراحل اجرا و پیاده‌سازی تأکید شده است.

جیمسون و آدانل^۱ (۲۰۱۵)، در تحقیقی که در زمینه شناخت مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین انجام دادند چهار بخش مأموریت و ارزش‌ها، توسعه مجموعه مهارتی و ذهنی، مرکز فرماندهی قوی و سازمان‌دهی و منبع‌هایی را به‌عنوان بخش‌های مختلف فرآیند تحقق یک دانشگاه کارآفرین شناسایی کردند. کتیکیدس، وروریدس و کفالاس^۲ (۲۰۱۲) پژوهشی را با عنوان «یک مدل کارآفرینی دانشگاهی برای مؤسسه‌های بین‌المللی آموزش عالی: مطالعه‌ای در دانشکده بین المللی دانشگاه شفیلد^۳» به انجام رساندند. مدل نهایی حاصل از پژوهش شامل چهار مفهوم ساختار اثربخش مدیریت و عملیات، ارائه آموزش‌های توزیع‌شده، کارآفرینی و روح نوآورانه و بین‌المللی‌سازی به‌عنوان روح و هسته راهبردی است. آن‌ها هم‌چنین دریافتند که ساختار سازمانی دانشگاه و فرهنگ کارآفرینی در سراسر آن تسهیل‌کننده تحولات راهبردی کارآفرینی در آموزش عالی هستند. گوئررو و اوربانو (۲۰۱۲) مدلی مفهومی برای دانشگاه کارآفرین ارائه

1. Jameson & O'Donnell
3. Sheffield

2. Ketikidis, Ververidis & Kefalas

دادند که بیش تر پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه‌ی دانشگاه کارآفرین از این مدل تبعیت کرده‌اند. بر این اساس، مدل مفهومی یک دانشگاه کارآفرین به عوامل محیطی و درونی مؤثر در ایجاد و توسعه دانشگاه‌های کارآفرین وابسته است. عوامل محیطی به عوامل رسمی و غیررسمی و عوامل درونی به منابع و امکانات دسته‌بندی می‌شود: ۱- عوامل رسمی: سازمان کارآفرین و ساختار دولت، معیارهای حمایت از کارآفرین، تربیت کارآفرین؛ ۲- عوامل غیررسمی: نگرش‌های دانشگاهیان در زمینه کارآفرینی، روش‌های آموزش کارآفرین، مدل‌های نقش و نظام پاداش؛ ۳- منابع سرمایه انسانی، مالی، کالبدی و تجاری؛ ۴- امکانات: جایگاه و اعتبار، شبکه‌ها و ارتباطات، محلی کردن. کانو^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی دانشگاه‌های بارسلونای اسپانیا را از منظر کارآفرینی به صورت موردی تحلیل نموده است. وی عوامل دانشگاهی را به دو گروه رسمی (ساختار سازمانی و حکمرانی دانشگاه، مکانیسم‌های حمایتی، آموزش‌های کارآفرینی) و غیررسمی (نگرش‌های دانشگاه نسبت به کارآفرینی، مدل‌های نقش آفرین) تقسیم نموده است. کربی (۲۰۰۶) طی پژوهشی موارد ذیل را از جمله عوامل کلیدی دانشگاه کارآفرین بیان نموده است. صحنه گذاشتن و تأیید بر نقش کارآفرینانه دانشگاه در بالاترین سطح سازمانی، مشارکت همه سطوح دانشگاهی شامل بخش‌های علمی، اساتید و سایر کارکنان، اجرا (تعیین اهداف مورد پایش)، ارتباطات (انتشار راهبردها و ارائه مشاوره در مورد آن‌ها)، تشویق و حمایت (حمایت‌های سخت: مراکز رشد، پارک‌های علمی، پشتیبانی خدمات اداری و حمایت‌های نرم: آموزش، مشاوره، پشتیبانی فنی و مدیریتی)، تشخیص و پاداش دهی (تقسیم منافع، ترفیع و غیره)، سازمان‌دهی (تشکیل گروه‌های تحقیقاتی و آموزشی بین‌رشته‌ای، مراکز کارآفرینی چندمنظوره) و ارتقاء (رقابت‌های بین طرح‌های کسب و کار، معرفی موارد مشهور کارآفرینی). اتزکویتز (۲۰۰۴) مدلی را برای دانشگاه کارآفرین معرفی کرده است. در مدل وی پنج ویژگی که برای نوآوری بسیار مهم هستند در فرم بهینه دانشگاه کارآفرین در تعادل با یکدیگر قرار دارند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از سرمایه‌سازی دانش^۲، همبستگی^۳، استقلال^۴، ترکیب کردن^۵ و بازتاب پذیری^۶. اسپورن^۷ (۲۰۰۱) طی مطالعه‌ای عوامل کلیدی دانشگاه کارآفرین را به ترتیب زیر معرفی می‌کند: مأموریت، اهداف، ساختار، مدیریت، رهبری و فرهنگ، واسطه محیطی، شبکه‌ها و اتحادهای راهبردی.

در این پژوهش پس از مطالعه اسناد و پژوهش‌های مشابه پیشین و آشنایی با دانشگاه کارآفرین، پروتکل مصاحبه تهیه و با خبرگان و متخصصان مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام

1. Cano
3. Interdependence
5. Hybridisation
7. Sporn

2. Capitalisation of knowledge
4. Independence
6. Reflexivity

گرفت. هدف کلی از این مطالعه، طراحی الگوی دانشگاه کارآفرین براساس نظریه داده بنیاد بود که شاید به جرأت بتوان ادعا نمود در جامعه این پژوهش و با این روش به انجام نرسیده است. در مورد چرایی و علت استفاده از نظریه داده بنیاد می‌توان گفت؛ چنانچه ما نیز کارآفرین شدن دانشگاه‌های آزاد اسلامی غرب کشور را براساس مطالعات پیشین بررسی می‌کردیم و به جای استفاده از تئوری داده‌بنیاد و بررسی ویژگی‌های خاص این جامعه از پیش‌فرض‌های مطالعات قبلی مشابه استنتاج می‌کردیم، شاید به دلیل دوری از واقعیت‌های جامعه مورد نظر به خوبی نمی‌توانستیم به این مهم بپردازیم. اعتبار و ارزش اصلی نظریه داده بنیاد به جمع‌آوری داده‌ها از دل یک جامعه در یک حوزه مطالعاتی خاص است. وقتی ما در پی آن هستیم تا فرایندی را طراحی کنیم که طی آن دانشگاه‌های نسل دوم واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی غرب کشور را با تمام شرایط خاص خود از لحاظ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، موقعیت فیزیکی، صنعتی و ... به دانشگاه کارآفرین تبدیل کنیم، چه بهتر به جای قیاس و اقتباس از سایر دانشگاه‌ها، که چه بسا تفاوت‌های اساسی با جامعه مدنظر ما دارند از داده‌هایی استفاده کنیم که از دل خود جامعه برخاسته و همگن و همگون با آن باشند. هدف ما در ارائه الگوی دانشگاه کارآفرین برای جامعه بالا، استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، اخذ نتایج سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود نبوده و به دنبال یک فراورده تکمیل شده آماده نیستیم؛ بلکه به دنبال موجودیتی پیوسته و درحال تکوین هستیم. ما به دنبال قابلیت تعمیم الگوهای از قبل طراحی شده دانشگاه کارآفرین به جامعه خود نیستیم؛ بلکه به دنبال درک این پدیده (الگوی دانشگاه کارآفرین) در یک محیط خاص (دانشگاه‌های آزاد اسلامی غرب کشور) و به همان شکل موجود هستیم. از این رو از تئوری داده بنیاد استفاده نموده ایم تا ذهن خویش را بر روی هر نشانه‌ای که ممکن است در مجموعه داده‌های به‌دست آمده از جامعه وجود داشته باشد، باز نگه داریم.

براین اساس، پژوهش‌گران به دنبال رسیدن به سؤال‌های فرعی ذیل بودند: ۱- دانشگاه کارآفرین از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده‌اند؟ ۲- شرایط علی برای ایجاد یک دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ ۳- شرایط زمینه‌ای دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ ۴- عوامل مداخله‌گر دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ ۵- راهبردهای رسیدن به دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ ۶- پیامدها و خروجی‌های دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر طراحی و تبیین مدل دانشگاه کارآفرین از دیدگاه خبرگان است. در این پژوهش باهدف اکتشاف مدل از روش نظریه داده بنیاد^۱ از نوع رهیافت سامان‌مند (رویکرد

اشتراوسی) استفاده و ادراک مصاحبه‌شوندگان پیرامون چگونگی، علل، راهبردها، زمینه و پیامدهای دانشگاه کارآفرین کاوش شد. پژوهش حاضر از آنجایی که سبب به کار بردن دانش می‌گردد و نیز به طراحی الگو می‌پردازد کاربردی است؛ و از آن جهت که این پژوهش باهدف گسترش مرزهای دانش صورت می‌گیرد و به گسترش مفهوم پژوهش کمک می‌نماید و به شرح و تبیین آن می‌پردازد و وجوه ناشناخته آن را روشن‌تر می‌کند و هم‌چنین با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به دنبال بهبود و به کمال رساندن روش‌ها، ساختارها و الگوهای موجود است، در حوزه تحقیقات توسعه‌ای جای دارد. هم‌چنین با توجه به اینکه بخشی از پژوهش حاضر به شرح و توصیف واقعیت‌ها براساس نظرسنجی از متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه کارآفرینی می‌پردازد، می‌توان روش بکار رفته در این پژوهش را «توسعه‌ای-توصیفی» دانست. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه دارای تخصص علمی و یا تجربه کاری در حوزه کارآفرینی، اعضای باشگاه پژوهش‌گران، اعضای مراکز رشد دانشگاه‌ها، اعضای هسته‌های فناوری، اعضای دفاتر ارتباط با صنعت مستقر در دانشگاه‌ها می‌باشد. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند، از دسته متوالی استفاده شد. «در روش متوالی به‌جای انتخاب یک نمونه ثابت حجم نمونه آن‌قدر افزایش می‌یابد تا زمانی که دیگر کافی باشد» (بنینگ^۱، ۲۰۰۲). با توجه به این که نمونه‌گیری متوالی انواعی دارد، از نمونه‌گیری نظری که روش غالب در تئوری زمینه‌ای است، استفاده شد. «در نمونه‌گیری نظری نمونه‌ها به شکلی انتخاب می‌شوند که به خلق تئوری کمک کنند» (گلیسر و اشتراوس^۲، ۱۹۶۷ به نقل از ویچه^۳، ۲۰۱۷: ۶۸۸). «برخلاف نمونه‌برداری انجام شده در بررسی‌های کمی، نمونه‌برداری نظری نمی‌تواند قبل از شروع مطالعه و نظریه‌پردازی داده بنیاد، برنامه‌ریزی شود و تصمیمات خاص نمونه‌برداری در خلال فرایند پژوهش شکل می‌گیرند» (اشتراوس و کوربین^۴، ۱۹۹۸: ۱۹۲). «در تحقیق کیفی هنگامی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها متوقف می‌شود که اطلاعات در مورد همه دسته‌بندی‌های موردنظر اشباع شود و این امر زمانی رخ می‌دهد که نظریه یا داستان مورد مطالعه کامل شده و اطلاعات جدیدی به دست نیاید» (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸۱-۳۸۰). در این پژوهش داده‌ها در مصاحبه دهم به اشباع نظری رسید اما برای حصول اطمینان دو مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت. برای گردآوری اطلاعات از روش سه سوپه‌سازی شامل بررسی اسناد و متون علمی، مصاحبه‌های اکتشافی نیمه‌ساختمند و یادداشت‌برداری استفاده شد. تعداد سؤالات مصاحبه ده سؤال از نوع باز پاسخ بوده که پس از بررسی پیشینه پژوهش و مشاوره با صاحب‌نظران حوزه دانشگاه کارآفرین و

براساس ابعاد نظریه داده بنیاد طراحی گردید. مصاحبه‌های ضبط‌شده پیاده و به‌صورت سطر به سطر براساس طرح نظام‌دار داده بنیاد کدگذاری شدند. تحلیل داده‌ها نیز براساس دستورالعمل‌های اشتراوس و کوربین انجام گرفت که شامل سه مرحله کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ است. در مرحله اول کدگذاری باز، تعداد ۲۴۹ کد اولیه شناسایی و پس از حذف ایده‌های تکراری به ۲۰۱ کد کاهش پیدا نمودند. در مرحله دوم کدگذاری باز، کدهای مشابه در ۲۱ طبقه قرار گرفتند و برای هر طبقه عنوانی انتخاب شد که نمایانگر کل کدهای آن طبقه باشد. طبقه‌ها دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم را بر محور خود جمع کنند. عنوان‌های انتخابی به‌طور عمده توسط خود پژوهشگر انتخاب شدند و سعی بر این بوده تا بیشترین ارتباط و هم‌خوانی را با داده‌هایی که نمایانگر آن است داشته باشند. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله کدگذاری باز در قالب: شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به‌صورت الگوی پارادایمی به هم مرتبط گردید. در مرحله کدگذاری انتخابی که مرحله اصلی نظریه‌پردازی داده بنیاد است، طبقه محوری به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده شده و روابط در چارچوب مدل ارائه شده روایت شدند. مراحل کدگذاری به‌صورت دستی انجام گرفت. «در نظریه داده بنیاد اعتبارسنجی^۴ بخشی فعال از فرایند پژوهش است» (کرسول^۵، ۲۰۰۵: ۴۱۳)؛ بنابراین جهت اطمینان از اعتبار یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها براساس معیارهای کرسول اقدامات زیر انجام گرفت (کرسول و میلر^۶، ۲۰۰۰: ۱۲۵): تطبیق اعضا^۷؛ سه نفر از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست فرآیند تحلیل و مقوله‌های به‌دست‌آمده را بازبینی نمودند. پیشنهادهای آن‌ها در کدگذاری‌های باز و محوری اعمال شد. بررسی همکار^۸؛ ۲ نفر از اساتید و ۲ نفر از دانشجویان دکتری مدیریت آموزشی پارادایم کدگذاری باز و محوری را بررسی نمودند و نظرات آن‌ها در تدوین مدل به کار رفت. در این پژوهش مدل در قالب کدگذاری بصری^۹ و داستانی که به شکل روایی^{۱۰} نوشته شده است ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با تعداد ۱۲ نفر از اساتید و خبرگان دانشگاه کارآفرین مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد که مشخصات آن‌ها به شرح جدول ذیل است.

-
- | | |
|-----------------------------|----------------------|
| 1. Open Coding | 2. Axial Coding |
| 3. Selective Coding | 4. validation |
| 5. Creswell | 6. Creswell & Miller |
| 7. Member Chechingn | 8. Peer debriefing |
| 9. a visual coding paradigm | 10. narrative form |

جدول ۳. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

ردیف	پست سازمانی	مرتبه علمی	جنسیت	محل خدمت
۱	هیئت علمی	استادیار	مرد	دانشگاه رازی کرمانشاه
۲	هیئت علمی	استادیار	مرد	دانشگاه رازی کرمانشاه
۳	هیئت علمی	دانشیار	مرد	دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
۴	مدیر مرکز رشد	استادیار	مرد	دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه
۵	هیئت علمی	استادیار	زن	دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه
۶	هیئت علمی	استادیار	مرد	دانشگاه کردستان
۷	هیئت علمی	استاد	مرد	دانشگاه کردستان
۸	مدیر مرکز رشد	استادیار	مرد	دانشگاه آزاد اسلامی سنندج
۹	مدیر مرکز رشد	استادیار	مرد	دانشگاه بوعلی همدان
۱۰	هیئت علمی	استادیار	زن	دانشگاه بوعلی همدان
۱۱	رئیس دانشکده	استادیار	مرد	دانشگاه بوعلی همدان
۱۲	هیئت علمی	استادیار	زن	دانشگاه آزاد اسلامی ایلام

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و استخراج ۲۰۱ کد اولیه در مرحله اول کدگذاری باز و طبقه‌بندی آن‌ها به ۲۱ کد محوری (مؤلفه) در مرحله دوم کدگذاری باز، مؤلفه‌ها در مرحله سوم کدگذاری باز به ۶ طبقه اصلی گروه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله کدگذاری باز در قالب: شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به‌صورت الگوی پارادایمی به هم مرتبط گردید.

سؤال اول: مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ در جدول ۴ کدهای اولیه، مؤلفه‌ها و طبقات اصلی مربوط به پدیده محوری (دانشگاه کارآفرین) ترسیم شده‌اند.

در زمینه سیاست‌های سازمانی کارآفرینانه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «تا زمانی که قوانین و اسناد بالادستی حامی دانشگاه کارآفرین نباشد و تمام زیرساخت‌های تبدیل دانشگاه‌های سنتی به کارآفرین در قوانین و سیاست‌ها تدوین نشود دلیل و مرجع قانونی برای این کار نداریم». در خصوص ساختار سازمانی کارآفرینانه یکی از اساتید اعلام نمود: «ساختار مدیریتی دانشگاه کارآفرین باید براساس شایستگی و صلاحیت باشد نه لابی‌گری و سیاسی‌ازی». در مورد فرهنگ سازمانی کارآفرینانه یکی دیگر از متخصصان بیان نمود: «دانشگاه‌ها و حتی مدارس بایستی تمام تلاش خود را برای پرورش نسلی کارآمد و عاشق کار به‌کار گیرند». یکی از اساتید که خود صاحب شرکت دانش‌بنیان بود گفت: «دانشگاه کارآفرین می‌تواند دانش و تکنولوژی بومی ایجاد نماید به عقیده وی این تولید دانش می‌تواند با دانش در محیط‌های جغرافیایی دیگر متفاوت باشد چرا که بر اساس نیاز آن جامعه تدوین شده است».

جدول ۴. مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی پدیده محوری

طبقات اصلی	مؤلفه‌ها (مفاهیم)	کدهای اولیه
طبقات اصلی	سیاست‌های سازمانی کارآفرینانه	قوانین حمایتگر دانشگاه کارآفرینی، سیاست‌های سازمانی حامی دانشگاه کارآفرین، اصلاح سیاست‌های بالادستی، برنامه استراتژیک، تدوین سیاست‌های کلان حامی کارآفرینی در وزارت علوم، توجه به الزامات درونی دانشگاه، استناد به قوانین بالادستی
	فرهنگ‌سازمانی کارآفرینانه	فرهنگ کار و کار کردن، تربیت نسلی کارآمد، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه، هماهنگی نهادهای سه‌گانه درگیر با کارآفرینی در دانشگاه (اولین نهاد: مرکز کارآفرینی دومین نهاد: شتاب‌دهنده‌ها و سومین نهاد: مراکز رشد می-باشند)، ترویج فرهنگ خدمت به کشور در میان افراد جامعه
پدیده محوری	ساختار سازمانی کارآفرینانه	آماده کردن زیرساخت‌ها، ساختار سازمانی کارآفرینانه، وجود زیرساخت‌های کارآفرینی در دانشگاه، ایجاد مرکز رشد، ساختار مدیریتی باید بر اساس شایستگی باشد، ایجاد نهادهای سه‌گانه (اولین نهاد: مرکز کارآفرینی دومین نهاد: شتاب‌دهنده‌ها و سومین نهاد: مراکز رشد می‌باشند) در دانشگاه، تقویت ساختار کارآفرینانه
	آموزش و پژوهش کارآفرینانه	تقاضامحور بودن پژوهش‌های دانشگاهی، تغییر محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی، تدوین محتوا پروژه محور باشد، ارزشیابی صلاحیت محور، تغییر سرفصل‌های دروس، آموزش عوامل دانشگاه، حمایت وزارت علوم از واحدهای درسی کارآفرینی، به‌روز شدن برنامه درسی، روش تدریس کارآفرینانه، تدوین هدف‌های رفتاری بر اساس شایستگی، تجاری شدن پایان‌نامه‌ها، تهیه سرفصل‌ها بر اساس نیاز جامعه، مدل‌سازی برای اساتید و دانشجویان، ایجاد دانش و فناوری بومی، شبکه‌ای شدن پروژه‌های مشتری مدار بودن پروژه‌ها، آموزش و پژوهش کارآفرین، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مناسب، آموزش‌ها باید فارغ‌التحصیلان را برای کار آماده کند، روش تدریس استاد-شاگردی،

سؤال دوم: شرایط علی دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ در جدول ۵ کدهای اولیه، مؤلفه‌ها و

طبقات اصلی شرایط علی ترسیم شده‌اند.

جدول ۵. مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی شرایط علی

طبقات اصلی	مؤلفه‌ها (مفاهیم)	کدهای اولیه
شرایط علی	منابع انسانی	توانایی و علاقه دانشجویان و اساتید، عدم‌مداخله مدیران در کارآفرینی، مدیران جسور و حامی خطرپذیری باشند، افزایش قابلیت‌های کارآفرینی افراد، توجه به الزامات درونی، حضور بخش خصوصی در هیئت‌امانای دانشگاه، تقویت نگرش مدیران نسبت به کارآفرینی، نیروی متخصص، مهارت‌های کارآفرینی استاد، مهارت‌های اساتید در موضوع، آموزش و محتوا، کارآفرینی عملیاتی استاد، اساتید دارای صلاحیت لازم باشند، نقش کارآفرینی در

ارتقای شغلی اساتید، ارزشیابی استاد قابلیت تجاری سازی داشته باشد، تغییر هیئت علمی در راستای کارآفرینی، کارآفرین بودن اعضای هیئت علمی، پذیرش دانشجو بر اساس نیاز جامعه، پذیرش دانشجو بر اساس گزینش علمی، استقلال رأی دانشجو، هدفمند بودن دانشجویان و فارغ التحصیلان، ریسک جویی دانشجویان و فارغ التحصیلان، گزینش علمی دانشجو، تعهد سازمانی بالای دانشجویان و فارغ التحصیلان، پذیرش دانشجوی جسور، شکست مقدمه موفقیت است، ارزشیابی از دانشجویان مبتنی بر پروژه، روابط عمومی بالای دانشجو و فارغ التحصیل دانشگاه کارآفرین، خودتنظیمی خوب دانشجو و فارغ التحصیل دانشگاه کارآفرین، برنامه ریزی خوب دانشجو و فارغ التحصیل دانشگاه کارآفرین، شناخت و فرانشاخت خوب دانشجو و فارغ التحصیل دانشگاه کارآفرین، آشنایی دانشجو با مقدمات و اصول رشته مورد علاقه، دارای تفکر واگرا و خلاق می باشند، دانشجویان توانایی رفع نیازهای خود را دارند، کارآفرین بودن دانشجویان، ایجاد توانایی اشتغال زایی فارغ التحصیلان، افراد مهارت انتقال دانش داشته باشند، پیامدهای اجتماعی دانشگاه کارآفرین، انگیزه دانشجو، طراحی استانداردهای فارغ التحصیلان، عدم تأثیر لابی در فارغ التحصیلی دانشجویان، هدفمند بودن و تعهد سازمانی بالای دانشجویان و فارغ التحصیلان، ممنوعیت استخدام فارغ التحصیلان در بخش دولتی، ثروت آفرینی معیار فارغ التحصیلی، کمک فارغ التحصیل دانشگاه کارآفرین به رشد اقتصادی

اقتصاد مبتنی بر دانش، کارآفرینی علت افزایش رشد دانشگاه، تجاری سازی پروژه ها، تبدیل پژوهش به اختراع، تبدیل آموزش و پژوهش به محصول و خدمات، پایه های اقتصاد منطقه - ای، نرخ جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی، میزان جذب سرمایه انسانی منطقه ای و بین المللی، جذب بودجه و منابع مالی دولت
جذب کمک های مالی نهادهای مستقل، جذب منابع مالی از شرکت های بزرگ.

پایه های
اقتصادی

یکی از خبرگان در خصوص اساتید دانشگاه کارآفرین پیشنهاد داد: «به هنگام ارزشیابی و ارتقای اساتید به کارآفرین بودن آن ها توجه شود و ضریب بالایی برای این مهم در نظر گرفته شود». یکی دیگر از خبرگان در مورد فارغ التحصیلان گفت: «شرط فارغ التحصیلی انجام پروژه باشد نه معدل نمرات». در خصوص منابع مالی یکی از متخصصین بیان نمود: «دانشگاه نباید وابستگی مالی به دولت و منابع دولتی داشته باشد بلکه باید از سایر منابع مالی تغذیه شود و به استقلال مالی برسد».

سؤال سوم: شرایط مداخله گر در ایجاد یک دانشگاه کارآفرین کدام اند؟ در جدول ۶ کدهای اولیه، مؤلفه ها و طبقات اصلی شرایط مداخله گر به نمایش گذاشته شده اند.

جدول ۶. مقوله های به دست آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی شرایط مداخله گر

طبقات اصلی	مؤلفه ها (مفاهیم)	کدهای اولیه
(مقوله های اصلی)	اکوسیستم های کارآفرینی	مروان، شتاب دهنده ها، مراکز رشد، استارت آپ ها، مربیان، رویدادها، آموزش به اکوسیستم های کارآفرینی در اختیار، دولت و سازمان های دولتی استان، رسانه های درون استان، سرمایه گذاران، مراکز آموزش عالی، شرکت های بزرگ

مستقر در استان، ارائه پیشنهاد به اکوسیستم‌های خارج از اختیار، عزم سیاسیون برای ایجاد فضای مطلوب، تعهد مدیران ارشد سیاسی و اداری، برخورد سیاسی با دانشگاه، سیاست انقباضی وزارت علوم در بودجه رفتار سیاسی و لابی‌گر دانشگاهیان، رفتار سیاسی و لابی‌گری سیاست‌گذاران، رفتار سیاسی و لابی‌گری صنایع، میزان قدرت تصمیم‌گیری دانشگاه، ارتباطات غیررسمی مؤثر، ائتلافات برون‌سازمانی حکومت، اجرای تصمیمات، قانون‌گذاری، اختیار در تصمیم‌سازی، دستورالعمل‌ها

شکل حقوقی، چارچوب حقوقی، سیاست‌های عمومی

مواضع قانونی و حقوقی

یکی از خبرگان اظهار نمود: «نقش حکومت، در ایجاد و توسعه دانشگاه کارآفرین بسیار مهم و حیاتی است؛ چراکه ایجاد این دانشگاه در ابتدا به حمایت‌های سیاسی، قانونی، حقوقی، تبلیغاتی و مالی نیاز دارد و حکومت در تمام این‌ها می‌تواند نقش پررنگ داشته باشد». یکی از خبرگان نقش رسانه‌ها و مطبوعات را به‌عنوان اکوسیستم کارآفرینی مهم دانست و بازخورد اخبار و گزارش‌های درست را مفید ارزیابی نمود.

سؤال چهارم: شرایط زمینه‌ای در ایجاد دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ در جدول ۷ کدهای اولیه، مؤلفه‌ها و طبقات اصلی شرایط مداخل‌گر نشان داده شده‌اند.

جدول ۷. مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی شرایط زمینه‌ای

طبقات اصلی	مؤلفه‌ها (مفاهیم)	کدهای اولیه
طبقات اصلی	(مقوله‌های اصلی)	
شرایط زمینه‌ای	استراتژی‌های دانشگاه کارآفرین	تغییر ساختار دانشگاه آزاد، تأسیس مؤسسات صنعتی، خدماتی و ...، عقد قراردادهای اقتصادی با سایر نهادها و مؤسسات، ادغام کردن منابع انسانی و فیزیکی، عدم اداره دانشگاه توسط دولتمردان، رقابت دانشگاه آزاد با سایر دانشگاه‌ها، نمره فارغ‌التحصیلی براساس میزان کارآفرینی، پذیرش هدفمند دانشجوی، پذیرش دانشجو در رشته مورد علاقه، اصلاح شیوه‌نامه‌ها، آموزش هیأت علمی، بهینه کردن امکانات دانشگاه آزاد، ارتباط دانشگاه با صنعت، تنوع منبع بودجه، نیاز بیشتر دانشگاه آزاد به منابع مالی، پذیرش اساتید بر اساس صلاحیت و شایستگی، پذیرش دانشجو براساس علاقه و توانایی، استقلال دانشگاه و تمرکززدایی، سرمایه‌گذاری کم در بخش آموزش و پژوهش.
	جوسازمانی کارآفرینانه	محیط دانشگاهی کارآفرینانه، دانشگاه یادگیرنده، تشکیل شوراهای کارآفرینی، ایجاد شتاب‌دهنده‌ها، ایجاد Startup ها، برگزاری همایش‌های ارائه ایده‌ها، اختصاص بودجه پژوهشی به ایده‌پردازی
	تغییر ماهیت آموزش عالی	ماهیت رو به تحول آموزش عالی، دانشگاه ابزاری برای اعتلای جامعه، تلاش دانشگاه برای جبران نیازهای جامعه، تبدیل دانشگاه به یک مؤسسه صنعتی،
	اعتبار و جایگاه دانشگاه	پذیرش دانشگاه آزاد به‌عنوان یک دانشگاه، اعتباردهی به دانشگاه، پذیرش دانشگاه کارآفرین، تلاش دانشگاه‌ها برای حفظ هویت خود در جامعه، استقلال

مالی و تصمیم‌گیری دانشگاه، بقای دانشگاه در جامعه و حفظ مزیت رقابتی، افزایش اعتبار دانشگاه در جامعه.
 تغییر نگرش سیاست‌گذاران، نگرش و انگیزه کارآفرینی دانشجویان و فارغ التحصیلان، باور به توانایی دانشگاه در کمک به صنعت، تدوین برنامه تغییر برای ساختار دانشگاه، هیأت علمی و دانشجویان، ریسک‌جویی و اعتماد به نفس دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، ریسک‌جویی فارغ التحصیلان، دوری دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از ناکامی و شکست، نگرش کارآفرینانه ریسک‌پذیری

یکی از اساتید عنوان می‌کند: «تا زمانی که دانشگاه دیدگاه و نگرش بخش صنعت را نسبت به خویش تغییر ندهد و اعتماد آن را به‌دست نیاورد نمی‌تواند به سمت کارآفرین شدن برود». در گفتگو با یکی از خبرگان بیان نمود: «برای ایجاد دانشگاه کارآفرین باید کل محیط دانشگاه کارآفرینانه شود». یکی دیگر از خبرگان گفت: «وجود یک برنامه تغییر برای دانشگاه‌ها ضروری است. این برنامه شامل ساختار دانشگاه، محیط دانشگاه، اساتید، کارکنان و دانشجویان می‌شود». صاحب‌نظری دیگر اظهار نمود: «شکست دانشجویان و اساتید در اجرای برنامه‌های‌شان نباید آن‌ها را از ادامه راه بازدارد و این به حمایت مدیران دانشگاه‌ها بستگی دارد». یکی از اساتید در زمینه جایگاه دانشگاه اظهار نمود: «این انتظار از دانشگاه برای کمک به صنعت به اندازه‌ای قوت یافته است که نزدیک است دانشگاه به یک مؤسسه صنعتی تبدیل شود».

سوال پنجم: راهبردهای تعاملی ایجاد یک دانشگاه کارآفرین کدام‌اند؟ در جدول ۸ مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی راهبردها تبیین شده است.

جدول ۸. مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی راهبردها

کدهای اولیه	مؤلفه‌ها (مفاهیم)	طبقات اصلی (مقوله‌های اصلی)
رونق اقتصادی و نشاط در جامعه، تبدیل محصولات به ثروت، تحول در نگرش، اقتصاد و فرهنگ جامعه، تبدیل علم به ثروت، ایجاد ارزش‌افزوده، کمک فارغ‌التحصیل دانشگاه کارآفرین به رشد اقتصادی، ایجاد ثروت توسط فارغ‌التحصیل دانشگاه کارآفرین، بهبود وضع موجود، برآورد نیازهای جامعه با هزینه کمتر	بهبود محیط کسب‌وکار	
ارتباط دانشگاه با صنعت، الگوبرداری از دانشگاه برتر، ارتباط با کارآفرینان و الگوگیری از آن‌ها، ارتباط جامعه و دانشگاه، ارتباط کارآفرینان با دانشگاهیان	ارتباط دانشگاه با جامعه و کارآفرینان	راهبردها
داشتن چشم‌انداز دانشگاه، چشم‌انداز بر اساس مشارکت و موافقت ذی‌نفعان باشد، استقلال دانشگاه‌ها، تدوین سند کارآفرینی دانشگاه، ارائه راهکارها بر اساس سند کارآفرینی	سند کارآفرینی دانشگاه	

یکی از اساتید در مورد لزوم سند و چشم‌انداز دانشگاه کارآفرین تأکید داشت: «تدوین سند باید براساس مشارکت و موافقت تمامی ذی‌نفعان دانشگاه باشد تا بتوان به اهداف رسید». یکی از

اساتید اظهار نمود: «بهبود محیط کسب‌وکار شرایط را برای تقویت سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و ارتقای آموزش نیروی کار و رشد دانشگاه‌های کارآفرین بیشتر می‌کند». در خصوص ارتباط دانشگاه با کارآفرینان، یکی از خبرگان بیان کرد: «ارتباط هرچه بیشتر بخش صنعت با دانشگاه خودبه‌خود و اتوماتیک‌وار دانشگاه را به‌سوی کارآفرینی سوق می‌دهد».

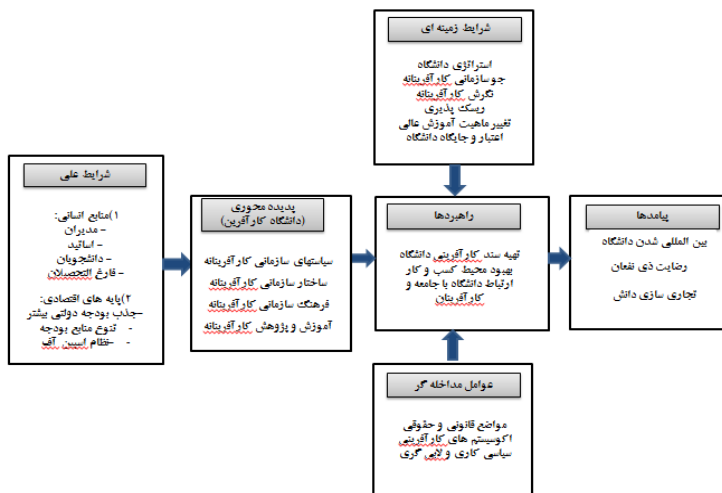
سؤال ششم: عوامل پسایند یک دانشگاه کارآفرین کدامند؟ در جدول ۹ مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی پیامدها تبیین شده است.

جدول ۹. مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی پیامدها

طبقات اصلی (مقوله‌های اصلی)	مؤلفه‌ها (مفاهیم)	کدهای اولیه
	بین‌المللی شدن دانشگاه	ارتباط با دانشگاه‌های داخلی و خارجی، توجه به بین‌المللی بودن دانشگاه
	رضایت ذی‌نفعان	رضایت مردم از دانشگاه، رضایت استاد از عملکرد خویش، رضایت دانشجو از استاد، استفاده بهینه از عمر و زمان، رفع بیکاری و ایجاد اشتغال، احساس رضایت دانشجویان
پیامدها	تجاری‌سازی دانش	تولید علم و ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان، رشد سطح فناوری‌های پارک، رشد سطح تعاملات شرکت‌های مستقر در پارک، فعال بودن پارک علم و فناوری، ایجاد شهرک‌های علمی مشاور، تأسیس شرکت‌های پارک علمی و تحقیقاتی، گرایش اعضای هیأت علمی به تأسیس کسب‌وکارهای زایشی، برخاستن شرکت‌های زایشی از نوآوری‌های درون دانشگاه، گرایش دانشجویان به راه‌اندازی شرکت‌های زایشی، پیوند با پارک‌های علمی و انکوباتورها، تنوع نشریات دانشگاه، سودآوری ناشی از نشریات برای دانشگاه

یکی از خبرگان بیان نمود: «دانشگاه‌هایی که مسیر کارآفرینی را در برمی‌گیرند و به آن می‌رسند وارد شبکه‌های بین‌المللی می‌شوند و به یک دانشگاه بین‌المللی تبدیل می‌شوند». یکی دیگر از خبرگان بیان نمود: «دانشگاه کارآفرین باعث ایجاد نشاط در جامعه می‌شود».

براساس جدول‌های بالا تلاش شده است تا با استناد به دیدگاه خبرگان و متخصصان حوزه کارآفرینی دانشگاهی، و در پاسخ به این سؤال کلی که: چگونه می‌توان براساس نظریه داده بنیاد مدلی طراحی نمود که دانشگاه آزاد اسلامی را به یک دانشگاه کارآفرین ارتقاء داد؟ این مدل در قالب یک الگوی منطقی که مشتمل بر علل، زمینه‌ها و عوامل مداخله‌گر در پدیده دانشگاه کارآفرین است و راهبردهای ایجاد دانشگاه کارآفرین و پیامدهای ناشی از آن را بررسی می‌کند، مطابق شکل زیر طراحی و تبیین شد.



شکل ۱. مدل پارادایمی دانشگاه کارآفرین بر مبنای نظریه داده بنیاد

مدل بالا نشان می‌دهد که دانشگاه کارآفرین تحت تأثیر شرایطی است؛ برای رسیدن به آن راهبردها و استراتژی‌هایی لازم است و در نهایت ایجاد و تشکیل آن پیامدهایی را به دنبال دارد. نکته حائز اهمیت که بیان آن ضروری است شیوه دسته‌بندی ۲۱ مقوله فرعی در دل ۶ طبقه اصلی نظریه داده بنیاد است که به‌طور کامل براساس دیدگاه خبرگان انجام شده است. شرایط خود در سه طبقه دسته‌بندی شده‌اند: شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای. شرایط علی در واقع عوامل اصلی به‌وجودآورنده پدیده اصلی می‌باشند. عوامل مؤثر بر ایجاد دانشگاه کارآفرین در این پژوهش از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عبارت‌اند از: ۱. منابع انسانی ۲. پایه‌های اقتصادی. این دو عامل اصلی‌ترین عواملی هستند که بر دانشگاه کارآفرین تأثیر می‌گذارند. بنا بر گفته یکی از متخصصان، فارغ‌التحصیلان که بخشی از منابع انسانی دانشگاه کارآفرین هستند اوج نمود دانشگاه می‌باشند. یکی از خبرگان می‌گوید: «مهم‌ترین ویژگی فارغ‌التحصیلان توانایی ایجاد شغل و کارآفرینی در حیطه عمل است. به دانشگاه‌های کارآفرین مطرح دنیا نگاه کنید بیشتر از ۹۰ درصد فارغ‌التحصیلان آن‌ها بعد از مدت کوتاهی دارای شغل می‌شوند». یکی از اساتید در خصوص پایه‌های اقتصادی چنین می‌گوید: «دانشگاه‌ها باید از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کسب اعتماد شرکت‌های بزرگ، ایجاد نظام اسپین‌آف، مراکز رشد و ایجاد شرکت‌های تجاری، پایه‌های اقتصاد خود را محکم نمایند». شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با خبرگان در این بخش نشان داد که سه مؤلفه مواضع قانونی و حقوقی، اکوسیستم‌های کارآفرینی و سیاسی‌گری و لابی‌گری می‌توانند بر راهبردهای ایجاد دانشگاه کارآفرین مؤثر واقع شوند. به‌عنوان مثال یکی از

متخصصان در زمینه اکوسیستم‌ها می‌گویند: «اکوسیستم‌ها دودسته هستند: بعضی در اختیار دانشگاه هستند مانند مروجان، شتاب‌دهنده‌ها و مراکز رشد. برخی خارج از اختیار دانشگاه هستند مانند سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و کارخانه‌ها و مطبوعات». شرایط زمینه‌ای: پس از مصاحبه با اساتید و خبرگان، آن‌ها شرایط زمینه‌ای دانشگاه کارآفرین را در موارد شش‌گانه استراتژی دانشگاه، جوسازمانی کارآفرینانه، نگرش کارآفرینانه، ریسک‌پذیری، تغییر ماهیت آموزش عالی و اعتبار دانشگاه بیان نمودند. منظور از شرایط زمینه‌ای شرایط خاصی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان نمونه یکی از روایات مربوط به نگرش کارآفرینانه بدین مضمون است: «تا زمانی که دانشگاه دیدگاه و نگرش بخش صنعت را نسبت به خویش تغییر ندهد و اعتماد آن را به دست نیآورد نمی‌تواند به سمت کارآفرین شدن برود». شرایط سه‌گانه بالا (علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای) باهم ارتباط داشته و بر پدیده محوری (دانشگاه کارآفرین) تأثیر می‌گذارند. پدیده محوری مقوله‌ای است که تمام مقولات اصلی دیگر به آن مرتبط می‌شوند. به اعتقاد خبرگان ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، سیاست‌های سازمانی و آموزش و پژوهش کارآفرینانه از مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین هستند. ایجاد دانشگاه کارآفرین مستلزم اتخاذ راهبردها و استراتژی‌های درستی است که بر اساس دیدگاه متخصصان مصاحبه‌شونده در این پژوهش عبارت‌اند از: تهیه سند کارآفرینی دانشگاه، بهبود محیط کسب و کار، ارتباط دانشگاه با جامعه و کارآفرینان. یکی از اساتید دانشگاه ابراز نمود: «ما در دانشگاه باید سؤال ایجاد کنیم، با خلاقیت و نوآوری سؤال را پاسخ دهیم، از آن ایده بسازیم، ایده را به اختراع تبدیل کنیم و در نهایت اختراع را به ثروت و پول تبدیل کنیم». پیامدها: منظور از پیامدها همان خروجی‌های حاصل از به‌کارگیری راهبردها است. پیامدها در سه مؤلفه بین‌المللی شدن دانشگاه، رضایت ذی‌نفعان و تجاری‌سازی دانش خلاصه‌شده است. در مصاحبه با یکی از اساتید دانشگاه که چندین فرصت مطالعاتی را در پرونده خویش داشت، بیان نمود که: «دانشگاه‌هایی که قصد دارند به کارآفرین تبدیل شوند لزوماً باید با دانشگاه‌ها و شبکه‌های بین‌المللی متصل باشند».

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج کدگذاری مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های بخش کیفی حاکی از آن است که مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین متأثر از منابع انسانی و پایه‌های اقتصادی است. البته با توجه به مفاهیم به‌دست‌آمده در مورد منابع انسانی متوجه شدیم که این مفهوم از دید صاحب‌نظران اهمیت بیشتری داشته است. کلارک (۱۹۹۸)، اسپورن (۲۰۰۱)، کردنائیچ، احمدی، قربانی و نیاکان لاهیجی (۱۳۹۱) نیز به اهمیت منابع انسانی در ایجاد دانشگاه کارآفرین اشاره نموده‌اند. با این تفاوت در پژوهش‌های نامبرده هر یک، به یک یا دو مورد از زیر مؤلفه‌های منابع انسانی اشاره

نموده‌اند؛ درحالی‌که در این پژوهش به اهمیت و نقش مدیران، اساتید، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان اشاره شده است. در پژوهش‌های سلام‌زاده و همکاران (۲۰۱۱)، بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) و کلارک (۱۹۹۸) به دیگر مؤلفه اثرگذار بر دانشگاه کارآفرین یعنی پایه‌های اقتصادی اشاره شده است. خبرگان در پاسخ به سؤال دوم به سیاست‌های سازمانی کارآفرینانه اشاره نمودند. آنچه در زمینه سیاست‌ها بسیار مورد تأکید بود اصلاح سیاست‌های بالادستی و قوانین وزارت علوم بود. این مؤلفه نیز در پژوهش‌های یدالهی فارسی، زالی و باقری فرد (۱۳۹۰) و گراهام (۲۰۱۴) مطرح شده است. دومین مؤلفه دانشگاه کارآفرین، وجود ساختار سازمانی کارآفرینانه بود؛ که خبرگان به تأسیس دفتر ارتباط با صنعت و استقلال دانشگاه‌ها بسیار تأکید نمودند. این مهم در مطالعات پژوهشی تقی پور ظهیر و حسن‌مرادی (۱۳۸۵)، سلام‌زاده (۲۰۱۱)، کردنائیچ و همکاران، (۱۳۹۱)، فارسی و همکاران (۲۰۱۴) و اسپورن، (۲۰۰۱) مورد اشاره قرار گرفته است. می‌توان اذعان نمود مؤلفه ساختار سازمانی کارآفرینانه مورد اقبال عمومی پژوهش‌گران و صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است. البته استقلال دانشگاه‌ها در مطالعات داخلی پررنگ‌تر بود و این می‌تواند به دلیل تمرکز تصمیمات نهادی و اساسی در نظام آموزش عالی ما باشد. سومین مؤلفه دانشگاه کارآفرین فرهنگ‌سازمانی کارآفرینانه بود. فرهنگ هماهنگی و ارتباط متقابل نهادهای سه‌گانه درگیر با کارآفرینی در دانشگاه یعنی مراکز کارآفرینی، شتاب‌دهنده‌ها و مراکز رشد بسیار حائز اهمیت است. در مطالعات سلام‌زاده و همکاران (۲۰۱۱)، کردنائیچ و همکاران (۱۳۹۱)، بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) و اسپورن (۲۰۰۱) به لزوم فرهنگ سازمانی کارآفرینانه اشاره شده است. چهارمین مؤلفه دانشگاه کارآفرین داشتن و اجرای سیاست‌های آموزشی و پژوهشی مشتری‌گرا و کارآفرینانه است. سرفصل‌های دروس باید بر اساس نیاز جامعه باشد. پایان‌نامه‌ها باید تجاری شوند. در کل سیاست‌های آموزشی باید به سمت مشتری‌مداری پیش برود. بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) و فارسی و همکاران (۲۰۱۴) به این مؤلفه اشاره نموده‌اند. شرایط زمینه‌ای که بر مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین تأثیر می‌گذارد از دیگر مواردی بود که خبرگان به آن پاسخ دادند. اولین عامل بسترساز دانشگاه کارآفرین، استراتژی دانشگاه بود. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که استراتژی دانشگاه باید دو جریان جدا از هم ولی در عین حال همراه همدیگر را شامل شود؛ یعنی در یک زمان دانشگاه تمام مواردی را که در کارآفرین شدنش تأثیر دارد اجرا نموده و هم‌زمان تمام موانع آن را از سر راه بردارد. یکی از پیشنهاد‌های متخصصان برای استراتژی دانشگاه کارآفرین تأسیس و تشکیل انجمن‌های کارآفرینی با حضور افراد نوآور و کارآفرین خارج از دانشگاه که در بخش صنعت فعالیت دارند و عملکرد آن‌ها خوب بوده است، بود. جو سازمانی کارآفرینانه به‌عنوان عاملی بسترساز برای دانشگاه کارآفرین شناخته می‌شود. یکی از مواردی که بسیار کلیدی بود و شاید مورد توجه پژوهش‌گران

دیگر قرار نگرفته بود، برگزاری همایش‌های ارائه ایده‌ها بود. مطالعات مرزبان و همکاران (۱۳۸۹) مؤید این مطلب است. نگرش کارآفرینانه یکی دیگر از عوامل بسترساز دانشگاه کارآفرین بود. در کشور ما به دلایل متعدد بخش صنعت اعتماد لازم و کافی را به توانایی دانشگاه‌ها برای مشاوره، آموزش و همکاری به دست نیاورده است؛ بنابراین باید تلاش نمود تا این نگرش اصلاح شود. گوئرو و اوربانو (۲۰۱۲) نیز به اهمیت اصلاح نگرش پی برده‌اند. ریسک‌پذیری عاملی دیگر در ایجاد دانشگاه کارآفرین از دید خبرگان بود. اصولاً لازمه کارآفرینی، نوآوری، خلاقیت و ریسک جویی است. تغییر ماهیت آموزش عالی و انتظار جامعه، دولت و صنعت از دانشگاه برای رفع نیازهایشان، آموزش عالی را متحول نموده است؛ و این سبب شده تا دانشگاه‌ها به سمت کارآفرین شدن و پاسخگویی به خواسته‌های مشتریان هدایت شوند. ششمین عامل بسترساز دانشگاه کارآفرین، اعتبار و خوش‌نامی دانشگاه است؛ که بر ذی‌نفعان و مشتریان تأثیر گذاشته و آن‌ها را به سرمایه‌گذاری در دانشگاه و مشارکت با آن ترغیب می‌کند. برای انجام هر کاری بادهای موافق و مخالف وجود دارند. دانشگاه کارآفرین نیز از این امر مستثنا نیست. عواملی که می‌توانند سرعت بخش یا مانع تبدیل یک دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین شوند و تا حدودی در اختیار و کنترل دانشگاه نیستند؛ عبارت بودند از مواضع قانونی و حقوقی. سلام‌زاده و همکاران (۲۰۱۱)، یدالهی فارسی و همکاران (۱۳۹۰) و ژو (۲۰۰۸) به این عامل اشاره نموده‌اند. در میان عوامل مداخله‌گر، اکوسیستم‌های کارآفرینی اعم از اکوسیستم‌های در اختیار دانشگاه و اکوسیستم‌های خارج از اختیار دانشگاه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. خبرگان پیشنهاد می‌دهند سیاست دانشگاه‌ها در خصوص اکوسیستم‌های در اختیار، ارائه پیشنهادها لازم به آن‌ها باشد و در خصوص اکوسیستم‌های خارج از اختیار، ارائه پیشنهادها لازم به آن‌ها باشد. نقش سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع بسیار مهم است. بهتر است مراکز دانشگاهی تمام توان علمی و عملی خود را در راستای جلب اعتماد صاحبان صنایع به کارگیرند. سیاسی‌گری و انواع لابی‌ها در بیشتر امور زندگی ما دخالت دارند. دانشگاه‌ها نیز مشمول این مهم هستند. دانشگاه‌ها مورد توجه سیاست‌گذاران، سرمایه‌دارها، صاحبان علم و صنعت بوده و همیشه در معرض مهربانی‌ها و ناملایمات آن‌ها هستند. این موضوع در پژوهش‌های یدالهی فارسی و همکاران (۱۳۹۰) مورد اشاره قرار گرفته است. برای دستیابی به هر هدفی راهکارها و اقداماتی لازم و ضروری است. یکی از راهبردهای دستیابی به دانشگاه کارآفرین وجود و اجرای چشم‌انداز و سند کارآفرینی دانشگاه است که به‌منزله کانال عبور و چراغ راه است. در بررسی پژوهش‌های پیشین نیز این مهم مورد تأکید قرار گرفته است و مطالعات سلام‌زاده (۲۰۱۱)، کردنائیچ و همکاران (۱۳۹۱) و اسپورن (۲۰۰۱) مؤید این مطلب است. بهبود محیط کسب‌وکار از دیگر راهبردهای خبرگان برای ایجاد دانشگاه کارآفرین است. یکی از زیر مؤلفه‌های این راهکار حمایت از فارغ‌التحصیلان و پرداخت

وام به آن‌ها برای اشتغال‌زایی و کارآفرینی است که در حقیقت ضرورت آن در کشور ما بیشتر است. ارتباط دانشگاه با جامعه اطراف خود از جمله کارآفرینان و ارتباط با دانشگاه‌های مطرح جهان و منطقه و الگوگیری از آن‌ها یکی دیگر از راهبردهای اثرگذار در ایجاد دانشگاه کارآفرین است. یدالهی فارسی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود این راهبرد را بیان نموده‌اند. یکی از پیامدهای راهبردهای دانشگاه کارآفرین عبارت است از بین‌المللی شدن دانشگاه. دانشگاه می‌تواند وارد شبکه بین‌المللی شود و دانشجویان، اساتید و کارکنان کارآفرین بین‌المللی را جذب نماید. یکی دیگر از پیامدهای ایجاد دانشگاه کارآفرین رضایت ذی‌نفعان بود. این امر از این ناشی می‌شود که هر بخش از مشتریان دانشگاه به‌نوعی از آن بهره‌مند می‌شوند. فارغ‌التحصیلان به دلیل توانایی بالا می‌توانند شغل و کار ایجاد کنند. بخش صنایع از دانش و تجربه‌های دانشگاه استفاده می‌کند. دولت به دلیل رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و کاهش بی‌کاری زیر سؤال نمی‌رود و عواقب سیاسی و اجتماعی نامطلوب در جامعه به وجود نمی‌آید. اشاره به این پیامد در پژوهش‌های سلام‌زاده و همکاران (۲۰۱۳) ذکر شده است. تجاری‌سازی دانش در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری، ایجاد کسب‌وکارهای زایشی از دیگر پیامدهای دانشگاه کارآفرین بود. سلام‌زاده و همکاران (۲۰۱۱)، بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) بر این پیامد تأکید نموده‌اند.

دانشگاه کارآفرین پدیده‌ای برای پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد جامعه، دولت و صنعت است. دنیای پر از رقابت و پیچیدگی با سرعت سرسام‌آور افزایش نیازها، انتظارات مردم از دانشگاه‌ها را بالا برده و آن‌ها را شایسته‌ترین سازمان و نهاد برای حل مشکلات می‌دانند. بر این اساس تبدیل دانشگاه‌های سنتی به کارآفرین در تمام جوامع از جمله کشور ما ضرورتی آشکار است. با نگاه به پژوهش‌های داخلی و خارجی در این زمینه می‌توان دریافت هرکدام از آن‌ها دانشگاه کارآفرین را از زاویه‌ای مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما این پژوهش بر مبنای نظریه داده بنیاد تقریباً به تمامی ابعاد دانشگاه کارآفرین پرداخته است. در این پژوهش خبرگان و متخصصان دانشگاه کارآفرین براساس دانش و تجربه خویش مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین را شناسایی نموده و به بیان شرایط اصلی و علی این مؤلفه‌ها، عوامل بسترساز، عوامل حامی و مانع ایجاد دانشگاه کارآفرین، هم‌چنین راهبردها و استراتژی‌های ایجاد دانشگاه کارآفرین و درنهایت به پیامدها و خروجی‌های آن پرداختند. با عنایت به نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها در این پژوهش و سایر پژوهش‌هایی که در مقدمه این مقاله ذکر شده‌اند، ملاحظه می‌شود یافته‌های این تحقیق مورد تأیید پژوهش‌های انجام گرفته قبلی است. از محدودیت‌های این پژوهش با توجه به کیفی بودن آن، انتخاب مشارکت‌کنندگان بود؛ چون نمونه‌گیری هدفمند غیرتصادفی است، موجب سوگیری و تعصب می‌شود. محدودیت دوم مربوط به انتخاب جامعه آماری است که بهتر

بود وسیع‌تر باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی در سطح وسیع‌تری جامعه خویش را انتخاب کنند.

پیشنهادات کاربردی

براساس نتایج و یافته‌های پژوهش پیشنهادهای اجرایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. وزارت علوم افرادی را به مدیریت دانشگاه‌ها منصوب کند که کارآفرین باشند یا به سیاست‌های کارآفرینی دولت و دانشگاه‌ها پایبند باشند.

۲. در جذب و پذیرش اساتید دانشگاه و هیأت‌های علمی به معیار کارآفرینی افراد توجه شود.

۳. کارآفرینی در ارزشیابی و ارتقای علمی و اداری اساتید نقش داشته باشد.

۴. معیار فارغ‌التحصیلی دانشجویان فقط به کسب نمرات محدود نشود بلکه میزان تلاش آن‌ها در کارآفرینی و اشتغال‌زایی مورد توجه قرار گیرد.

۵. برای تمامی دانشگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی چشم‌انداز و سند کارآفرینی طراحی شود.

۶. دولت و مجلس برای تصویب قوانین حامی کارآفرینی هماهنگ و هم‌سو شوند.

۷. دانشگاه‌ها از طریق مراکز رشد، پارک‌های علم و دفاتر ارتباط با صنعت ارتباط بیشتری با بخش صنعت داشته باشند.

۸. شورای کارآفرینی دانشگاه‌ها با حضور و عضویت کارآفرینان موفق خارج از دانشگاه تشکیل شود.

۹. برگزاری دوره‌ای و مداوم همایش‌های ارائه ایده‌های نو.

۱۰. فراهم نمودن زمینه ریسک‌جویی دانشجویان و اساتید دانشگاه و جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از شکست آن‌ها.

۱۱. جلب توجه و حمایت اکوسیستم‌های خارجی دانشگاه از جمله صنایع، مطبوعات، سازمان‌های دولتی و افراد نیک. کار از کارآفرینی دانشگاهی.

۱۲. تلاش برای استقلال مالی دانشگاه‌ها و متنوع نمودن بودجه آن‌ها و عدم وابستگی شدید به دولت‌ها.

۱۳. تجاری شدن پایان‌نامه‌های دانشجویی یکی از معیارهای پذیرش آن‌ها باشد.

۱۴. مجلس با تدوین قوانین، دولت با اجرای قوانین و حمایت‌های مالی و فنی و قوه قضائیه با نظارت و برخورد قانونی فضای کسب‌وکار کشور را بهبود بخشند.

۱۵. وزارت علوم ارتباط دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های کارآفرین برتر دنیا را در برنامه‌های خود قرار دهد.

- Abby, J. (2016). The 2016 ranking of the 10 most innovative universities in the world. Retrieved 10 August, 2017, from <http://www.businessinsider.com/most-innovative-universities-in-the-world-2016-12>
- Audreusch, D. B (2017), Entrepreneurship and universities, *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 31(1), 4-11.
- Audreusch, D. B., Leyden, D. P., & Link, A. N (2012), Universities as research partners in publicly supported entrepreneurial firms, *Economics of Innovation and New Technology*, 21(5-6), 529-545.
- Banning, E. B (2002). *Archaeological survey* (Vol. 1). Springer Science & Business Media.
- Behzadi, N., Razavi, S. M., & Hosseini S. R (2014), Designing A Conceptual Model for an Entrepreneurial University; Using Corporate Entrepreneurship Approach, *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(4), 697-713.
- Bhayani, A (2015) Building entrepreneurial universities in a specific culture—barriers and opportunities, *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 20(4), 312-330.
- Bienkowska, D., Klofsten, M., & Rasmussen, E (2016), PhD Students in the Entrepreneurial University-Perceived Support for Academic Entrepreneurship, *European Journal of Education*, 51(1), 56-72.
- Blenker, P., Trolle Elmholdt, S., Hedeboe Frederiksen, S., Korsgaard, S., & Wagner, K (2014), Methods in entrepreneurship education research: a review and integrative framework, *Education+ Training*, 56(8/9), 697-715.
- Bozoki, E., & Richter, M (2016), Entrepreneurship, Institutions and Economic Growth: A quantitative study about the moderating effects of institutional dimensions on the relationship of necessity-and opportunity motivated entrepreneurship and economic growth.
- Cano, M. G., & Pulido, D. U (2007), Entrepreneurial universities: the case of Autonomous University of Barcelona, Departament d'Economia de l'Empresa Universitat Autònoma de Barcelona.
- Clark, B. R (1998). *Creating Entrepreneurial Universities: Organizational Pathways of Transformation. Issues in Higher Education*. Elsevier Science Regional Sales, 665 Avenue of the Americas, New York, NY 10010 (paperback: ISBN-0-08-0433545; hardcover: ISBN-0-08-0433421, \$27).
- Creswell, J. W. & Miller, D. L (2000), Determining validity in qualitative inquiry, *Theory into practice*, 39(3), 124-130.
- Creswell, J. W (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Dabic, M., Gonzalez-Loureiro, M., & Daim, T. U (2015), Unraveling the attitudes on entrepreneurial universities: The case of Croatian and Spanish universities, *Technology in Society*, 42, 167-178.
- Etzkowitz, H., Webster, A., Gebhardt, C., & Terra, B. R. C (2000), The future of the university and the university of the future: evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm, *Research policy*, 29(2), 313-330.
- Etzkowitz, H (2004), The evolution of the entrepreneurial university, *International Journal of Technology and Globalisation*, 1(1), 64-77.
- Etzkowitz, H., & Ranga, M (2015), Triple Helix systems: an analytical framework for innovation policy and practice in the Knowledge Society, In *Entrepreneurship and Knowledge Exchange* (pp. 117-158). Routledge.
- Etzkowitz, H (2016), The entrepreneurial university: vision and metrics, *Industry and Higher Education*, 30(2), 83-97.
- Etzkowitz, H (2017), Innovation Lodestar: The entrepreneurial university in a stellar knowledge firmament, *Technological Forecasting and Social Change*, 123, 122-129.
- Ewalt, D (2016), Reuters Top 100: The World's Most Innovative Universities- 2016. Retrieved 10 August, 2017, from <http://www.reuters.com/article/amers-reuters-ranking-innovative-univers-idUSL2N1C406D>
- Farsi, J. Y., & Toghraee, M. T (2014), Identification the main challenges of small and medium sized enterprises in exploiting of innovative opportunities (Case study: Iran SMEs), *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 4(1), 4.
- Fathi Vajargah, K., Khorasani, A., Daneshmandi S., & Arman, Mani (2014), Studying the coaching model in training of human resource based on grounded theory, *Organizational Culture Management*, 12(3), 375-398.

- Fathi Vajargah, K., Khorasani, A., & Daneshmandi, S (2015), The study of the coaching foundations in education and Improvement of Human Resource Management, *Journal of Management and Planning In Educational System*, 8(15), 27-48.
- Garcia Aracil, A., Castro Martinez, E., Jimenez Saez, F., Arroyo Vazquez, M (2013), What might an entrepreneurial university constitute? Proceedings of the 2013 EU SPRI Forum Conference, Madrid 10 12 April 2013.
- Gibb, A (2012), Exploring the synergistic potential in entrepreneurial university development: towards the building of a strategic framework, *Annals of Innovation & Entrepreneurship*, 3(1), 16742.
- Gibb, A., Haskins, G., & Robertson, I (2012). *Leading the entrepreneurial university: Meeting the entrepreneurial development needs of higher education institutions. In Universities in change* (pp. 9-45). Springer, New York, NY.
- Graham, R (2014), Creating university-based entrepreneurial ecosystems: evidence from emerging world leaders, *Massachusetts Institute of Technology*.
- Guerrero, M. & Urbano, D (2012), The development of an entrepreneurial university, *The journal of technology transfer*, 37(1), 43-74.
- Guerrero, M., Urbano, D., Fayolle, A., Klofsten, M., & Mian, S (2016), Entrepreneurial universities: emerging models in the new social and economic landscape, *Small Business Economics*, 47(3), 551-563.
- Jameson, J., & O'Donnell, P (2015), The entrepreneurial university: A unifying theme for TU4Dublin, Higher Education in transformation Conference, Dublin.
- Kelli, A., Mets, T., Jonsson, L., Pisuke, H., & Adamssoo, R (2013), The changing approach in academia-industry collaboration: from profit orientation to innovation support, *Trames: A Journal of the Humanities and Social Sciences*, 17(3), 215.
- Ketikidis, P. H., Ververidis, Y., & Kefalas, P (2012), An Entrepreneurial Model for Internationalisation of Higher Education: The Case of City College, an International Faculty of the University of Sheffield.
- Kirby, D. A (2006), Creating entrepreneurial universities in the UK: Applying entrepreneurship theory to practice, *The Journal of Technology Transfer*, 31(5), 599-603.
- Kirby, D. A., Guerrero, M., & Urbano, D (2011), Making universities more entrepreneurial: Development of a model, *Canadian Journal of Administrative Sciences/Revue Canadienne des Sciences de l'Administration*, 28(3), 302-316.
- Kordnaiej, A., Ahmadi, P., Ghorbani, Z., & Niakan Lahiji, N (2013), Investigating the Features of Entrepreneurial University at Tarbiat Modarres University, *Journal of Entrepreneurship Development*, 5(3), 64-47.
- Lundqvist, M. A (2014), The importance of surrogate entrepreneurship for incubated Swedish technology ventures, *Technovation*, 34(2), 93-100.
- Mansourian, F., Fatehrad M., & Ranjbar Tazanji M. A (2013), Presentation of the macro model of the University of Entrepreneurship and Studying its success factors, *The 10th International Conference on Strategic Management*, Tehran, Strategic Management Association of Iran, https://www.civilica.com/Paper-ICSM10-ICSM10_033.html
- Marzban, S., Moghimi, S. M., & Arabian, A (2010), The Effect of Organizational Entrepreneurship on the Entrepreneurial Behavior of Managers, *Modern Economics and Business*, 21 and 22, 1-25.
- Mousavi, S. H., Salehi Omran, I., Farasatkah, M., & Towfighi, J (2018), Providing a model for development of entrepreneurial university in Iran, *Iranian Journal Engineering Education*, 19(76), 1-28.
- Nikfarjam, A., Kiani Mavi, R., & Fazli, S (2013), Prioritizing entrepreneurial university factors by fuzzy analytic hierarchy process. *International Journal of Economy, Management and Social Sciences*, 2(10), 876-884.
- Radmanesh, S. A., Tabatabaiyan, S. H., & Farahani Boraghani, S (2016), Entrepreneurial University and the need to pay attention to it in the Islamic-Iranian model of progress. The 5th Islamic Pattern of Iran Progress; Progress Model; Tehran, National Library.
- Ramezani, G., Mehni, O., & Azizi, N (2018), Investigate the Barriers and Factors Influencing Inefficiency of Research at Farhangian University: A Grounded Theory Approach, *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 11 (2), 27-50.
- Reyes, C. N (2016), Framing the entrepreneurial university: the case of the National University of Singapore, *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 8(2), 134-161.
- Roberts, E. B., & Eesley, C. E (2011), Entrepreneurial impact: The role of MIT, *Foundations and Trends® in Entrepreneurship*, 7(1-2), 1-149.

- Salamzadeh, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M. R (2011), Toward a Systematic Framework for an Entrepreneurial University: A Study in Iranian Context with an IPOO Model, *Global Business and Management Research: An International Journal*, 3(1), 30- 37.
- Samadi Miarkolaei, H., Aghajani, H. A., & Samadi Miarkolaei, H (2015), Exploration and verification of entrepreneurial capacity status in selected universities of Mazandaran Province, *Journal of Public Administration*, 7(1), 111-132.
- Sporn, B (2001), Building adaptive universities: Emerging organisational forms based on experiences of European and US universities, *Tertiary Education & Management*, 7(2), 121-134.
- Strauss, A., & Corbin, J (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed.*, Sage.
- Taghipoor Zahir, A., & Hasanmoradi, N (2006), Developing entrepreneurial university model, *Journal Management System*, 18(2), 31-40.
- Todorovic, Z. W., McNaughton, R. B., & Guild, P (2011), ENTRE-U: An entrepreneurial orientation scale for universities, *Technovation*, 31(2-3), 128-137.
- Volkman, C., & Grünhagen, M (2014). Integrated support for university entrepreneurship from entrepreneurial intent towards behaviour: the case of the German 'EXIST' policy programme, in: A. FAYOLLE & D. T. REDFORD (Eds) *Handbook on the Entrepreneurial University* (Cheltenham, Edward Elgar) pp. 225–247
- Wang, X. and Bukhari, N. H., 2014-03-10 "Has the Burton Clark's Entrepreneurial University Model (EUM) stemmed out from Globalization-Driven Reforms (GDRs)?" *Paper presented at the annual meeting of the Comparative and International Education Society Annual Conference, Sheraton Centre Toronto, Toronto, Ontario, Canada* <NotAvailable>. 2014-12-10 from http://citation.allacademic.com/meta/p716823_index.html
- Wiesche, M., Jurisch, M. C., Yetton, P., & Krcmar, H (2017), Grounded Theory Methodology in Information Systems Research, *MIS Quarterly*, 41(3), 685-701.
- Wong, P. K., Ho, Y. P., & Singh, A (2007), Towards an "entrepreneurial university" model to support knowledge-based economic development: the case of the National University of Singapore, *World Development*, 35(6), 941-958.
- Yadollahi Farsi, J., Zali, M. R., & Bagherifard, S. M (2011), Recognizing Affective Structural Factors on Developing Academic Entrepreneurship; The Case of University of Applied Science and Technology, *Journal of Science & Technology Policy*, 4(1), 17-31.
- Zhou, C (2008), Emergence of the entrepreneurial university in evolution of the triple helix: The case of Northeastern University in China, *Journal of Technology Management in China*, 3(1), 109-126.

**Desingning the Entrepreneurial University Model based on Grounded theory
(case study: units of Islamic Azad University of West Iran)**

S.M. Mostafaei¹ , F. Malekian^{*} , E. Kaviani² & M. Karamafrouz³

Received: 2018/04/14

Accept: 2018/05/28

Abstract

Objective: The purpose of this research is to design entrepreneurial university model for Islamic Azad universities in west of Iran. This research is carried out in the framework of qualitative approach and by using grounded data analysis method.

Materials and Method: Islamic Azad Universities of the west of Iran compose the statistical society of this research. The number of participants is Twelve from the entrepreneur university experts who were selected through purposive sampling. Data were collected by semi-structured interview method. The validity of the questions was obtained using the views of the experts of the entrepreneurial university. The data analysis is performed based on grounded theory systematic approach in three stages of open coding, axial coding, and selective coding. The results indicate Twenty-one categories included human resources, economic bases, organizational policies, organizational structure, organizational culture, entrepreneurial education, university strategy, entrepreneurial organizational attitude, entrepreneurial enterprise climate, risk taking, changing the nature of higher education, accreditation and university status, preparing the university entrepreneurship document, improving the business environment, university relations with the community and entrepreneurs, entrepreneurship ecosystems, political and lobbying, university internationalization, stakeholder satisfaction, knowledge commercialization which was classified in the six main categories including causal conditions, axial phenomenon, underlying factors, interventional conditions, strategies and outcomes in the form of a paradigmatic model.

Result and Discussion: The results of the coding of the interviews and the analysis of the qualitative sector findings showed that the two components of competent human

1. PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

* Corresponding Author: Department of Educational Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Faramarz.malekian45@yahoo.com

2. Department of Educational Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

3. Department of Educational Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

resources and economic bases are causal and creator conditions of entrepreneurial university. Entrepreneurial organizational policies, including reformation the upper policies and Leges of the Ministry of Science; Entrepreneurial organizational structure; Entrepreneurial organizational culture and the implementation of customer-oriented and entrepreneurial educational and research policies were the most important features and components of Entrepreneurial University. Also the contextual conditions that affect the components of Entrepreneurial University include university strategy, entrepreneurial enterprise climate, entrepreneurial attitude, risk taking, changing the nature of higher education and expectation of society, government and industry to resolving their needs, That has revolutionized higher education and led universities to become more entrepreneurial and responsive to their customers' demands. The sixth factor contriver of entrepreneurial university is university reputation, which affects stakeholders and clients and encourages them to invest in university and participate with it. Interfering factors that can accelerate or hinder the transformation of a traditional university into an entrepreneurial university and somewhat are not controlled by the university; legal and juridical positions, entrepreneurial ecosystems, including university-owned ecosystems and outside the university ecosystems, politicize and the kinds of lobbies that are involved in most of our lives and universities are subject to this. One of the strategies for accessing entrepreneurial university is the existence and implementation of entrepreneurship university vision and document, which is the channel of passage and the Lights of the way. Improving the business environment and communication of university with its surrounding community including entrepreneurs, communication with entrepreneurial universities Entrepreneurial Universities of the World and the Region and modeling them, is one of the most effective strategies in creating an entrepreneurial university. Ultimately, internationalization of university, stakeholders satisfaction, and Commercialization of knowledge in the template of Knowledge Based Companies, science and technology parks, and the creation of natal businesses were the consequences of entrepreneurial university. Accordingly, it is recommended that the Ministry of Science appoint individuals to manage universities to be entrepreneurs or to adhere to government and university entrepreneurship policies. Entrepreneurship has a role to play in the evaluation and promotion of academic and administrative professors. Universities are more connected to the industry through growth centers, science parks and industry liaison offices.

Key words: entrepreneurial university, Modeling, Grounded Theory.